

تقدیر اخبار آذربایجان

و سرسکه ده سده و سایر بسیار قطع و غیره را نیز که در کار و شسری جان میان خون ساحت بود نذر از نود و  
در فتای او نیز در محضر علمای بقیع خویش اشعار فیه نمودند خائنین موجب تفصیل ذیل حکم شاهزاده مواخذ و بیست

سخت نظر را پس از ده هزار چوب مهار نمود بر ضرر سوار و با اولیای بسیار که در کوه و باران شهر کرده اند  
و پس از ثبات بکس منتهی مجوس ساختند تا در کسی باقرای ملت و حیانت دولت جبارت نماید  
محمد جعفر و علی بابا را کوش بریده و مار و پیش پیش شیخ شکر کوه و باران را مالد و سر توکان نیز از آنها  
گرفته در وجه محمد حسن که از غمهای لایت بود تسیم ساختند که بفرقه تقسیم نماید

پس شیخ را کوش بریده با پدرش حسین نمودند میرزا محمد را نیز که قابل تعجب بوده چشمه و آب سردی داشته

از قزاقی که در روزنامه آنجا نوشته بودند حسین خان شهاب الملک که مأمور خراسان بود با افواج لشکران و سواران  
در تبریز بکوه و حشده دار در عرض اده سس شده در عمارت فوقانی و محسنه در صحن مقدس منزل نموده مشغول رسیدن  
مطالب مردم و امور است اتفاقیه میباشد و هر کس اعتراض و مطلبی باشد بدون مانع دو واسطه بشمار ایله اظهار داشته  
با پنج مقرر و مسیگره (۵) عبدعلی خان سرطبیب قاجار که در پیروز خان سکه کرده و پنج چار دولی نیز مباد و عزا  
توبه ارد کردیده اند و در روز چهارم ششم شهر رمضان المبارک بزیا رت سخن مقدس شرفیاب گشته بعد از در پر  
در واره خیابان علیب منزل اطراف نمودند (۶) دینار نوشته بودند که از طایفه ضاله ترکمانیه کعبه نفر سواران از ادب خود  
پروان آمدن عازم ماحت قلعه لاین که دای صوفیا نوشته بودند از آنی قلعه استلای یافته یاد پیچ پروان میسما بند و در  
در بندرا تفکیکی نیستند و علیستی خان مرتب فوج که از نیز در کلمات مطلق گشته سر باز بگویم میفرستند و بعد از وصول بود  
ترکمان محاربه نموده از طایفه مخدول العاقبه را در هم شکسته نمودند و از آنها را مقتول چند نفر را اسکیه نموده سرد اسیر  
آنها را روانه مشهد مقدس داشته اند (۷) غلکه که بجه روانه نمودن بقتله مبارک که نا صیرت استیغ شده بود بجه حمل نقل  
آن بقتله مزبور مال گرایه نموده در پیروم شهر مصنان المبارک بهرامی سبزه سواره خراسان دانه قلعه مبارک که غیر  
داشته اند که در آنجا تحویل نموده مراجعت نمایند

و تاریخ خراسان

۳۰۴۲

تاریخ خراسان

اصفهان از قزاقی که در روزنامه آنجا نوشته بودند سواران ولایت از هر جبهه و هر بابست کمال نظام و نظارت  
دارد (۸) محمد حسین خان سرمنک در نظم کار فوج ابوالجلی سنایت موالفت یغایه (۹) و علی سلطان خیز با تو بچکان  
با کمال نظم در خدمات محو نموده است تمام دارند پر و جرد از قزاقی که در روزنامه آنجا نوشته بودند شاهزاده  
عصدا لودله حاکم بر وجه در نظم ولایت انجام خدمات دیوان قدر آیت دفع و شمع قطع الطریق لازمه  
کفایت مرعی داشته و میسر اند و مطلق از دی را بر نری در آن ولایت و اطراف بطور میرسد (۱۰) چون از جانب  
سختی انجوا بنی علی حضرت قدر قدرت شاهنشاهی انعامی در حق نمر بدران بر خلک که ساختند و جرد میسند و حشده

شاهزاده معز علی صاحب مضبان آنها را خواسته و جعفر النعمانی را تمام تسلیم و صاحب مضبان نیز رسد هر یک از احاد

و افراد سبزه را با نهادند (ه) و در فستق یک نوشته بودند بعد از غیب نوروز تا او اسطوخودوس رمضان المبارک در آن ولایت بارندگی نشده بود و از آنچه مردم غایب از علایق نبودند بجز آنکه تعالی زشت بود در هجم ماه مروری در شبانروز باران رحمت الهی آمد جمیع امالی از راز عین و عنایت کمال امیدواری حاصل نموده بدوهای بجای دست کثیر البرکات سرکار حضرت اقدس شریاری پرده چشمه اند

دست یاری و جنبان

بقرار یک روز زمانه آنجا نوشته اند چون در سنه سابقه در ایام عید شیر و زرد و زنجبیل از حکام عربستان در سرحد و سامان محرمه و حجب بودند و غلبه در شوشتر و ذوق توقف واقامت داشتند در همان جا که بودند بوزنم جشن عید پرده افتاد امالی سرحدات محرمه و حجب از انواع و غیره بعضی کیفیت سلام و احوال جشن و شادمانی را در عید نوروز زید و بعضی شنیده بودند در این سال فرخنده فال که صنیا الملک حکمران عربستان قبل از عید جبهه امظام و لهنبا طایفه اصفیاتی بنجارت ایام کردش عید را در سینه محرمه بود بجهت تبریک تحویل ششمین عمل و اکا برد عیان و شیخ و در ساق قشون اشیا صیر که معتبر و صاحب شان بودند قبل از وقت احضار نموده و هکلی حاضر گشته در ساعت تحویل لوازم جشن نوروز بر آن آماده ساخته بودند بر پا داشته مرا تب عیش و سرور بطور رسانند صرف شربت شیرینی نمود و بجای بدعای دوام دولت ابد فرجام رطب التهان شد فردای آنروز را با زنجبیلی تر قیبه داده جمعیت زیادی مجتمع و خطبه غزایان نامی سرکار حضرت قمر قدرت شایسته دین پیما و فدا نموده و سلطانه خوانده شده شعرا و آهنگاران نیز قصاید ایشان خوانده بودند و لایق الملک لوازم شکر گزاری را بر زبان باطنهار عبودیت و جان نشاری خود گیت بندگان اقدس جایون پیشیاری بر گشوده بعد از آن جمیع حاضرین مراسم شکر و تقبیر را نسبت بولی می دولت بجز این ظاهر ساحت با یکدیگر مبارکباد و اظهار خرمی و انبساط نمودند صنیا الملک بر یک را در خور مرتبه اعزاز و اکرام نمود صفت و انعام داد و این کیفیت در تصنیفات زیاد جسد کرده و مستحسن آنگاه است

۳۰۴۳

جانبان کرمان و بوچستان

از دستر یک روز زمانه آنجا نوشته اند در این اوقات در حومه و بلوکات کرمان باران رحمت چنانست آمده غلات و ماکولات در عین سسروانی و ارزانیست (ه) محمد اسمعیل خان نیز در سرپرستی رعیت کمال مراقبت نموده و نوعی قرار داده است که هر یک از زن مرد رعایا را عرض مطلبی باشد بدون اسطوخودوس سید بشا را الیه اظهار داشته خود رسیدگی در امر آنها بنمایند و چون پیشکار مشارالیه در آبادی ولایت ترغیب و تخریب زیاد بر رعیت نموده است در زمانه ضمیمه قریب یکصد مزرعه جدید در حومه و بلوکات کرمان آباد شده است و بموجب عرض استدهای مشارالیه فرمان مبارک شرف صدور یافت که از آنجا کرمان بر کس از مخردیهای بلا صبح یا قنات الاک جدیده احداث کند تا ده سال از ولایات معاف خواهند بود و بعد از ده سال بواقف قاعده محسول مطالبه بایات خواهد شد و همچنین فرمان مبارک صادر شد که هر کس تخلفات در کرمان

کتاب

غرض نماید اگر در خاک لحد است تا قتی که مقرر شود و اگر در آبار است تا پانزده سال مطالبه مالیات نخواهد شد که این معنی موجب است  
و ترغیب مردم شده در مقام آبادی ولایت برآیند

### اخبار متعلقه بخارج

در روزنامه رسمی دولت انگلیس نوشته اند بر دانیان علم جغرافیا معلوم است که بسبب حرارت آفتاب نسبت جزوی از اقیانوس  
و اراضی که آن طرف سودان است از انالی خارج صحرای قحط و باخند در درخت است در اکثر نقاط و در خطها اراضی مذکوره را بر وجه  
و تخمین غیر مسکون نوشته و کشیده اند از جانب دولت انگلیس جهت تحقیق اراضی مجهوله الاحوال محلی بر سر و چند نفری نامور شده است در سالها  
گذشته چند دفعه از جانب مجلس ممبرین متعقد باصفحات فرستاده اند مجلس نامورین باسبب حرارت آفتاب باخوشیهای دیگر تلف گشته  
و تا حال هیچکس رکنه است یکسال قبل از این بار از جانب انالی مجلس ممبرین که چند نفر صحرای و اشیاء صحرای که در آنجا یافتان میکنند  
معتبر صاحب منصب چند نفره بر قدری مستاع تجاراتی با همشان در فکر کرده گفت احوال اصفحات و اراضی نامور و روانه شده بودند  
نامورین سوار و پاور گشته بعد از گذشتن از دریا از طریق نهر بزرگ که از میان ایالت سودان میگذرد عزم آن اراضی نمایند در این راه چند  
از اعیان بعلیه و حشی غیر حشی نیز بودند و از این قدامت و امارت مظنه حاصل نمایند که در آن اطراف هم باید از بی نوع انسانی باشند  
بعد از قطع مسافت و هزار میل که فرسودند در صحرای بی آب و موسوم بقره میرسد آنجا را کانی خوش آب و هوا مشاهده میکنند  
و آثار زرتشتی را آن سرزمین مشاهده میکنند به حال برآمده چند روزی چند دیدن انسان کرد پس نمایند در این اشیاء بقیه را از احوال  
میرسند بل قیدی بر دیدن آنها وحشت نموده فرار میکنند انگلیسا با اشاره طرزهای انسی کم کم آنها را با خود نزدیک و ام نمایند یعنی  
اسباب جزئی از پل منجوق و غیره آنرا به بیسبب نزدیکی او به مسکن آنها میرود و در این احوال بقیه اشیاء مشاهده میکنند و  
ادبانه از صنایع غریبه و نظایر آنها چیزی میکنند از جمله آن اراضی بارگشته است از نقطه زمین در سال از زمین و غیره  
چند دفعه محصول برداشته شده است در چمنهای آنها علف بلندی است قدم بوده است باغات با معنای دیگر که داشته اند زمینهای  
آنها از چند پارچهای خوب و نفیس درست کرده پوشیده بوده اند و برای مردان از پوست گپاره درختها پراهن و حشم بودند چون  
انالی آن اشیاء در عوض از بیم از چوب درخت بستان میوراندند انگلیسا بجان کسان قیاسی که در طرفت سه روز سوزانده بودند  
بصلم آورده معادل نصیرا که فریبند و هزار تومان بوده باشد شده بود و انالی تمسید و مقابل ایامی جزئی که انگلیسا با آنها داده بودند  
به هزاره و چند و بیشتر و در وقت ندان قیل با آنها عارف کرده بودند نهایت به انالی را اظهار داشته انگلیسا هم با اشاره  
دعویهای دیگر محسنات تجارت و امیرش با خارج را با آنها حالی نموده بودند و بعد از مشاهده و ملاحظه این احوال با جناب  
خود عزم مراجعت کرده و بلندن آمده کیفیت را به دولت عرض و اظهار نمایند و از جانب دولت امر شده است

که تبه و تدارک کثیر و ندر پو بزرگ را دیده چند نفری با آن جناب

مجدد اعزیت و مسافرت اصفحات

بکنند

کتاب

کتاب

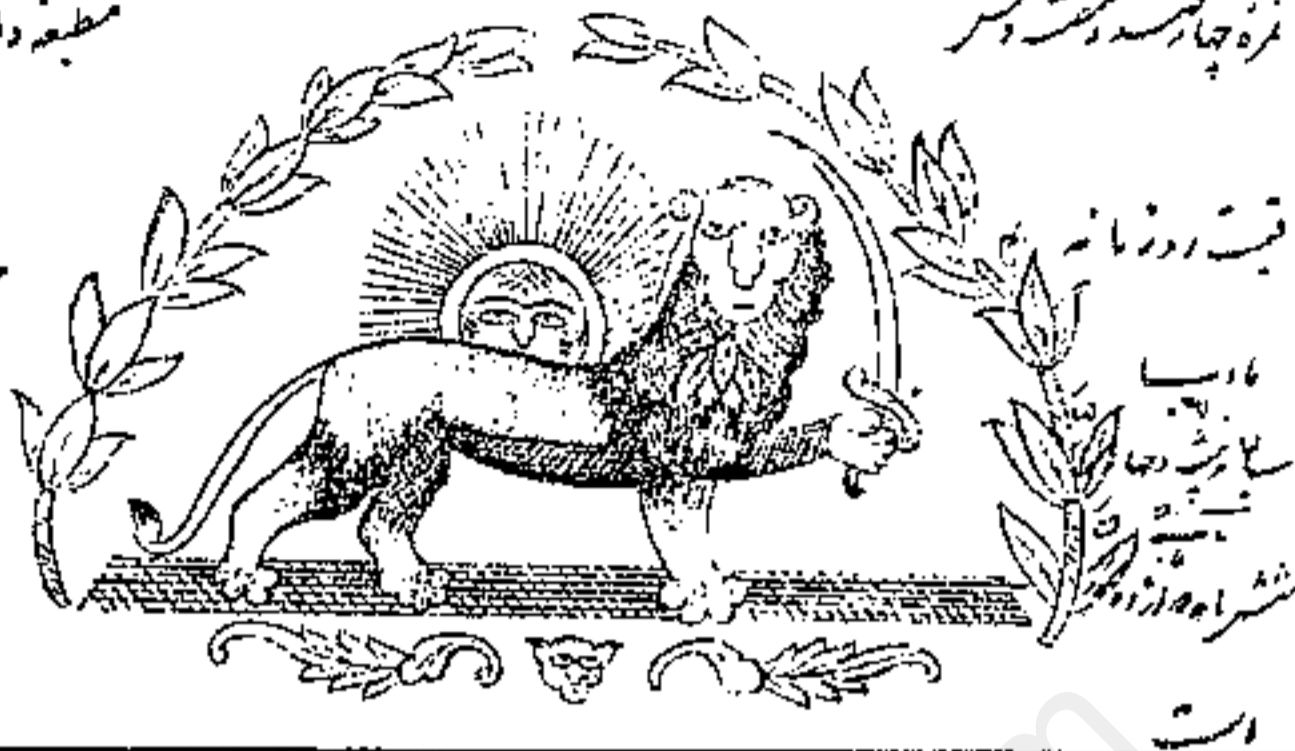
کتاب

کتاب

روزنامه وقایع اتفاقیه بیخ بوم خورشید چرخ سحر سوال مطابق سال سی و سه ۱۲۶۶

نزه چهارم شد شش و شتر

مطبعه دارالمخلفه طهران



یفت بهارات

قبت روزنامه

مطهره و نضویه

شهر راه از راه

است

است

اخبار دانه ممالک محروسه

از الحمد و جود مسعود همایون در کمال صحت و استقامت است و همه روز مشغول اشغال لشکر کشور و آسودگی رعیت است  
 این روزها چون هوای دارالمخلفه قدری گرم شده است ای همایون عسلاده گرفت که یک دو شب در تهمیران توقف فرمایند  
 بر سر جعفر آباد که در دره در بند واقع است بر حسب آب و هوا از سایر جاها اقبال دارد و تشریف فرما گردیده روز دیگر را  
 به آبش که یک فرسنگ بالاتر از جعفر آباد است تشریف بردند اگر چه راه آنجا سنگ و لیکن چون همه ساله سرکار دارد  
 همایون شاهنشاهی محض تفریح و سیاحت یکروز در ضلع مشکوذاً آنجا تشریف فرما را آنجا حاضر شده اند و هموار نمودند و از منزل  
 بعثت اینکه قدری خشکسالی شده است و بارندگی کم شده است آب انجام کم است تا عصر توقف فرمودند چون خاطر همایون  
 به تیر اندازی تفنگ طیارچه زیاد مایل است و بطوری تیر اندازی میفرمایند که در قوه کسی نیست چنانچه کلوله تفنگ شخصی  
 بقوت هر چه تمام تر هوای اذار و هائزانشان نموده می اندازند و در هوا میزنند و کمر اتفاق می افتد که تکلف کند  
 قدری مشغول تیر اندازی گردید عصر مراجعت فرموده و شب را در همان تشریف جعفر آباد توقف فرمود و بصریح از آنجا  
 و مترسنتت نزول جبال فرمودند و این روزها در باب ساختن تفنگ خازن که چندی قبل حکم شده بود سپساله کارخانه  
 و اسباب آنرا فراهم پاورد و با تمام رسیده است تا که میفرمایند از این به بعد رسیده است که برای یکبار تفنگ  
 خازن دکنی در کارخانه تکمیل نمایند که پس از این تفنگ جمع افواج خازن باشد و همین در باب کارخانه چاشنی سازی  
 به سپساله فرمایند شده است و سپساله هم با کمال اهتمام بانجام رسانده و این اوقات چاشنی از کارخانه پرور  
 خواهد آمد و همچنین کیزا روضه در بار و طکه سابقا گوپه شده در انبار نامی برودن شهر است تا که فرمودند که آن بار و طکه  
 از نو بوسند که قوتش زیاد شود بعثت اینکه بار و طکی که تازه از هجان برودن آمده است چهل مثقالش هزار و صد روزه  
 کلوز چهاره پست و چهار پوند که در من دینم وزن دار در میردو نموده که بار و طه قدیم را هم اگر بشود باین قوت برسانند پس  
 در فرمایشات همایونی استیسنه عفتت خازن و آنچه حکم میشود بزودی در خویشی بانجام میرسد

۳۰۴۵

احوال است معتقد بود جزو مسعود و مبارک حضرت اقدس جان طاهر

وقوع و آفتاب در بار حضرت امیر کبیر علیه السلام

۳۰۴۶

نظر بشمول غنایات کاه و دو فرم جسم لوکانه در حق ضیاء الملک حکمران عربستان حکومت رسالت از آنکه همیشه  
 جزو مکتب عربستان بود و در حقیقت این هر دو در حکم یک مکتب بود و اینهمه عربستان و بصره الملک محبت فرمودند و فرمان چوین  
 هایون بشر همد در مقردن آمد و یکو شب کچچون پیش مبارک بر رسم خلعت مرحمت کردید (۵) و نظر بطور مرحمت خاطر  
 مبارک همایون در باره و هر الملک از حق ششمی را باره رشته قات آن که خالصه دیوان است بود سرکار حضرت  
 اقدس تالیون ظل العالی بار بانی و محبت ایشان را به مرحمت فرمودند که بکنیه آبادی در آورده موجب آبادی در وقت آن کرد  
 نظر باینکه حضرت اقدس در دالی مکتب خراسان از طرز خدمات جهاننوز میرزا مرتضی افواج عربت عجم اظهار رضایت  
 خود را به عرض عتبه خلافت کبری رسانده بود و سوازی کقطعه نشان دوم سرتی با حمایل آن مرحمت آن ذکر کردید (۶) از آنکه  
 بعضی بار یافتگان جنور در طویر همایون رسید حاجی میرزا محمد باقر خان حاکم طبرستان در حفظ و نظم آن راه فیما بین طبرستان  
 و کرمان که معبر قافله و محل تاخت و تازش از راه بود چیت است مساعد و غفلت نموده در سینه ضمیمه چند مرتبه بوجه آن راه را  
 تخریب بودند لهذا میرزا اسیم خان یزدی که نوکر سیت قبل دزیرک و همیشگیار بوکالت آنجا سید فراز کردید و امر حکومت  
 آن ولایت بجهت استقامت تحمل و مفوض کردید و نشان هر لعلان و خلعت مرحمت شده همین در آن خواهر رفت (۷) از آنکه  
 آنکه کید در دستان از محرای خراسان یافته محض غریبت آن بجز در هر طویر همایون شایسته ای آورده بودند آنجا دزدان  
 خیل میدیستند لکن معلوم نیست از چه جانوری بوده است و از چه عهد است زیرا که یک چهار یک تمام طول آن دزدان است  
 و بقدر چهار انگشت قطر و ضخامت از یک شتر عرض است و در شبهای آن آنجا حالا باقیست هم از هر کشت کشتی کشتی  
 آنچه برفت دیده و سچده شد اگر دزدان آنخیوان مثل سایر حیوانات تمام بوده است چایست و فرغ تمام قد کتبه  
 آن جانور باشد و این از غریبت است (۸) میرزا بزرگ خان که در اوقات ناموریت بکار پر داری در تیره مردم  
 آثار مراقبت و کفایت در ارتباط دوستی و دین اسلام و سرپرستی تبعه دولت علیه بطور آرد و مورد مرحمت طویر کشته  
 لهذا بحسب فرمان همایون بمصوب کار پر داری اول و مخصوص این دولت سرفراز و نامور با قامت بعد از کردید و با خط  
 یکو شب جنبه ترنگرانی بر رسم خلعت قرین مباحات آمد و از حضور مرحمت طویر حضرت اقدس شایسته ای اجازت حضرت  
 حاصل کرده در شازدهم ماه شوال عازم محل ناموریت کردید

باقتضای کمال مودت و مصافحت خالصه که فیما بین دولتین عتبتین ایران و عثمانی نسبت استقرار دارد  
 سرکار حضرت اقدس تالیون شایسته ای خلد الله له و سلطانه نشان اول و مخصوص سلطنتی خود شازدها با همایون  
 آن دانه مبارک برای حضرت سلطان عظیم ایشان دولت عثمانی نزد میرزا ایخان وزیر مختار و اچلی مخصوص این دولت  
 میقم اسلامبول ابلاغ فرمودند که ای محفل سلطانی نماید و چون بحسب احترام نشان سلطنت عظمی لازم بود که یکی از  
 چاکران در بار همایون حاضر آن باشد لهذا بحی خان ابودان حضور مبارک از جانب اقدس نمود در روانه بهای  
 فواد پاشا ناظر امور خارجه دولت عثمانی که در شید بانی دوستی و مودت فیما بین دولتین عتبتین ایران  
 عثمانی نهایت استقامت را مبذول داشته و در دار باقتضای کمال سلم و صفوت و دین اسلام با عطا کقطعه

درخواست	<p>نشان از درجه اول شیر و حورشید نخل با سبب حاصل میزب محض صان افزان مبارک از جانب این دولت علیه نایل گردید میرزا حسین خان وزیر محنت و دینی محض صان این دولت ابلاغ خواهد نمود</p>
آوردگی	<p>در این سینه خبر روزنامه سینه سینه</p>
خواست	<p>همدان بعد از فوت مرحوم میرزا اسدالله خان محمد الملک حکم همدان در رسیدن پنجبردار محسنا فاطمه طهران نظر بر ایتب شایستگی و دکادش محمد حسین خان پسر مرحوم میرزا حکومت لایسته مزبور در ارتقا مقام شایسته و اکتدار فرموده باشد افزان مریدان هایون عظمای خلعت حدایت مبارک قرین سربلوزاری و اتمار پهنایس برود</p>
استان	<p>از دست آری که در روزنامه عربستان نوشته اند بعد از آنکه ضیاء الملک جشن عید سعید سلطانی را چنانچه در روزنامه قبل الطبع یا هت در سرحد محرمه و حجب بر گذارنود روز دیگر پرده تمثال بی مثال هایون شایسته ای با کیشوب قجای رزی بن پوش مبارک که از جانب سنی الجوانب سرکار اقدس ضافت پناهی محض شون مرحمت و عنایت با فخر ضیاء الملک العالیه باز روی متوقف در محرمه مشغول بود و در زمانی فرمود ضیاء الملک در مقام تقدیم تشریفات بود و تمثال پهلایونی با جمعیت از عهد و سادات میسج و عیسان اشرف سر کرده نامی قشون متوقف سرحد و االی محکمت با استقبال تمثال پهلای شایسته االی محکمت که از زیارت جلال عظیم المثل محرم بودند بشکرانه این موهبت عظمی که بزیارت تمثال پهلای مشغول مباحی آمدند کمال شکر گذاری نمودند مسکی به عاکونی وجود مبارک حضرت هایون شرایری خلعت کده و سلطانه مشغول شد و از این موهبت عظمی زیاده موجب فرح و مسرور و مایه امید واری اهل آن محکمت گردیده است و امور آن سرحد از فور اهتمام و مراقبت ضیاء الملک در نهایت انظام و انضباط بوده است و مشار لیس بعد از نظم امور سرحد محرمه و حجب لازم مراجعت بشو شکر گردید و از زنده است و دست از سر ابرج جمعی شخصی خان سرتیب ایاد و عواد و توب برسم خود در قعد کت گذاشته میرزا زین العابدین اینر بجهت ساختن عمارت پهنه جدیده در محسره که از ده اند و محسوم االی عربستان از طرز رفتار ضیاء الملک کمال رضامندی دارند و در عاکونی دولت ابد مدت روزگاری در نهایت آسایش میگذرانند</p>
وقایع فارس	<p>از دست آری که در روزنامه آنجا نوشته بود از امور محکمت از فوط کفایت و حسن درایت شاهزاده حسام سلطه حکمران فارس در نهایت انظام است و قاطبه ساکنین عاده قاطنین در حداس و رفاه مشغول دعای بستی دولت جاوید ایشباه پباشند و کار گزاران دیوانی نیز در خدمات محوله بجز کمال مواظبت و اهتمام را دارند (ه) همین بهرام که از بقیه السیف جمال و کمال بهار لقطاع الطریق طرق و شوارع فارس زنده اند در این اوقات بعضی از اولاط و شورا اتباع خود نموده بر سر راه قوا اخل آمده قاضی رازده از جانب اولیای دولت جاوید عدت امر و مقرر گردید</p>

۳۰۴۷



تاریخ و احوال فارس

که متاخر از ده حمام تسلطه در حدود فتح آنها برآمدند و با بحال و تسبیح لاحق نمازند و زمین را از دست و انظار یغنه  
 شرارت چا و پیر دارند پس در بوسه شتر از قرآن که در روزنامه آنجا نوشته بودند امور بند بر موز در نهایت  
 نظام در عبادت برای مرتبه الحال بر عای دوام دولت و دیر فرجام اشتغال دارند (۵) در شب تخم شوشیان  
 و منظم در طوفانی شده و تائب معتم طوفان هسته ادا یافته کقطعه کشتی مکی عبدالرضی می علاف مسمی به جوی که  
 بزرگبری شده در لنگرگاه بود که در و پنجسم دانه بصره شود از شدت طوفان در آب غرق شده بسیار می اژگول  
 و غیره که در آن بوده است تلف کرده است فی بحال الله از هشتام اهل سفاین متوقف در لنگرگاه جمعی از زوار  
 هنده سانی ایرانی که در کشتی بودند سلامت از نجات یافتند و بعضی اشیاء آنها نیز از قبل آرد و عنبره  
 بی عیب پرده آمده است همچنین سفینه مکی حاجی علی بابا تسمی که یک روز قبل از آن در آنه بصره شده بود در نزدیک جزیره  
 خار که بطرف آن دو چار و سوواخ گردیده بعضی از اشیاء محموله را آب گرفته لایق سفینه مزبور را بجانب بستر  
 سعادت داده بودند چون یک میدان کناری میرسد بکل نشسته تا چند روز اشیاء آنها پرده کشتی و کشتی را  
 از کل بر آورده قیر نمایند که هانم مقصد شوند (۶) در شب شانزدهم نیز دریا طوفانی شده بینه بر عین  
 کوی که از کویت متاع تجاری در آن بارگیری شده بود اهل حاج نیز بسیاری در آن نشسته بودند بعلت طوفان  
 بخارزه دریا فیاچن بوشه و همیشه لبک آمده حشره گردیده است تا بمرحله اهل حاج و عنبره در بعضی مزوره  
 ساکن بودند سلامت پرده آمد بعضی از اموال اجناس آنها را نیز منظر اشیاء است در ده لصاحبا  
 ز دو اجرتی دریافت نمودند و بعضی دیگر نیز تلف گردیده است

۳۰۴۸

احوال کرمان

کرمان شاهان از ستر که در روزنامه آنجا نوشته بودند امور آن ولایت از نظر کفایت شاهزاده علاءالدوله  
 در نهایت اشظام و انضباط است عابری دست درین ارزو اسد تجاره عنبره بحال آسایش از خاک کرمانشان  
 عبور و در نمایند و عموم مردم در همدم انمان بجای دوام دولت جاوید بنیان اشتغال دارند (۷) در اوایل سال آنچه  
 در آن ولایت برنگی نشد بعضی از ارضین و اقسیم و تاک و فقر اموشش گردیده بودند بیکر الله و ملت به از آن از دید  
 فیاض رحمت نا حاجی الهی بر انهای نافع بسیار آمده بجزی که هیچ ارضین و غیره اضافی و شکر گزار گردید عیسان کلی حاصل  
 نمودند (۸) کرمان سرمنگ که حسب الامر ادلیای دولت علیه نامور رسیدن سان در رسانیدن بواجب افواج در راه  
 کرمانشان بود اکثری را سان دیده و موجب داده بعد از آن سبب زنگنه را احضار و در خارج شهر منزل داده هم رفیق  
 میرزا ظاهر شکر نویس مشغول دیدن سان و دادن بواجب آنها چید شد و در ضحیات محول سپه جوا جمال و اغفال از سنبل  
 از این رو ولایت تازه روزنامه رشیده است

از قرآن که در روزنامه کرمان نوشته بود مذقونی که از کرمان با مور بوچستان گردیده بودند در بین راه با نهایت نظم و انضباط  
 حرکت کرده و در هر یک از منازل بخوبی و خوشی گذرانده در پیست دوم شهر شهبان وارد و بپوشه کشته اند (۹) از اینجاست

تاریخ و احوال کرمان

توسعه اجتناب از گران و بیوچستان

و هم خان سکر کرد در دبار می نشیند و خان سایر خوانین بوچستان که در میوه بود با اجازه سوارزادی تا  
 دو فرسخی بستبال اردو نمودند و در شب پست دشم شبان میرزا کوچک خان سرمنگ یا دران و سلاطین و صاحبان  
 افواج قشایر و توپخانه و خوانین بوچستان که یکصد نفر تفریحی در میشته اخبار نموده و مجلسی نهادند و بعد از آن  
 مبارک سرکار عیضرت قدر قدرت شاهنشاهی صلوات الله علیه در روز بیستم آورده و صرف شربت  
 و شیرینی نمودند و مراتب شادمانی و شکرگذاری ظهور رسد و در ذکر که روز اول سال و عید سلطانی بود و ساعت  
 اذکار و ذکر شصت طبعات ذکر که در آنجا حاضر بودند از توپچی و سبزه و غلام و تکیه بان نوی در دبار می زمین آید  
 و علی بقدر سردی و سابقه و باری و سکوتی و گران و بجای و عوبت اجازه سوار صبی ابراهیم خان و سایر تکیه بان  
 بوچستان در میدان خالی قلعه که در شش زاده و زریح و پنج بست با فرزند دارد و طرف صفت کشیده و پدید آمدگی در آنجا  
 مغرب است سلام داد و تعظیم نمودند و همه سرور و شکر گزار زبان بجای دوام غمزد دولت جاوید آثار کشیدند و از توپچی  
 نوشته بودند میرزا کوچک خان در تقدیم خدمات خود و تنظیم امورات موجوده کمال مراقبت و اهتمام عمل می آورد خوانین بوچستان  
 با لطف و عنایات شما امید داری داده و هر یک از این خوانین بوچستان که سر از رتبه اطاعت سجده دارند و در هر کوشه  
 شپه و مواخذه میسند از سجد سیف الدین خان حاکم سبزه که سر از رتبه اطاعت کشیده و در سلسله سرباز متحصن گردیده و  
 دوستان سابق و با بریر با آبروی او تیسر نموده و اگر که حاضر است و مشغول رسیدگی حساب و عمل او باشد و میرزا  
 یوسف که مباشرتینی میسر بود و با بحال خرابی قلعه را تمام نموده بنای ساختن حمام و مسجد و بازار و مسجده و از جانب  
 میرزا کوچک خان نیز نکال تا که در حضور فقیر است بشا ربه و ابراهیم خان پسر پسر کردید است که بزودی تمام نمایند  
 چون در میان مردم میسر بود و بوچستان کبری موثر است است کن ایند که نوشته است میرزا کوچک خان رسیدت تعریف بر ما  
 از عذبت آب و خوبی هوای آنجا نوشته اظهار داشته بود که در پستم ماه مبارک رمضان سنوز محتاج بچگونه پوست بود  
 آتش در شبها میسیم و این فقره جنسی غرابت است که همیشه موای بوچستان را به کرم ذکر میکردند و در زمانه نوشته

۳۰۴۹

اخبار حمله بخارجه

در روزهای پارس نشانه این اوقات نظرسنجی ماسطرات عالی فرانسه بخار را بر تریج و تامل بر سرچ داده مجرب بود  
 و متامل کشش را جنسبیا کرده اند چون این کیفیت مورث ضرر و منفه بجهت است از جانب دولت حکم در غیب از دو پنج  
 و پنج کشته قدغن شده است که بر کس نشی اجل برسد و جنسبیا را تامل کند و زن بگیرد و بر سال و مسیکه متامل شده است  
 و بعضی از او گرفته شود (ه) و نیز در روزهای پارس نوشته اند ما بین عمارات و حصار قلعه از عازات و پرومات  
 خالی بوده حصار قلعه از عازات پرومات شرف صود است این اوقات نظر برای که صحبت از دو حام شهر پاریس  
 زیاد تر شده است از جانب دولت حکم کشه است در همان کمنه اجابای خالی ما بین عمارات و حصار قلعه عمارت  
 بسازند تا موطنین و متوقین شهر پاریس دست بخت حاصل آید

اجتناب از فزونی



در روزنامه های مجلس نوشته اند تا در پیش سال قبل از این در نخستان عمده سبایه دست و کت عتبت و ترقی دولت امر و  
 و منی بزرگت و فاحش میدنند و در شید و گنیز زعت و بهقت بدل جدمیکردند از تبت اراضی و تقیل اجرت عله شایسته  
 در منعت حاصل مینودند با اینچا لست با قیمت غله حاصل بکلیس به مساوی قیمت غله بعضی از مالک و سیه و عثمانیه میرسد  
 و بسبب از آن غله در مالک و سیه عثمانیه غله زیاد می آید با اینچا با بکلیس میرد و تجارت میگرداند و از اثر حاصل خود  
 بکلیس میفرستد و با این واسطه غله حاصل بکلیس نیز تریز نموده چنانچه بی منعت نمیکرد بخر و بخر این محذور و منعت از بکلیس از جانب  
 دولت بقدر تفاوت قیمت غله بکلیس و غله که از خارج با اینچا سپردند کم که بر غله خارج مستر را باند تا قیمت غله خارج  
 و داخل مساوی بود و از خارج کمتر حق با اینچا داخل شود متاع داخل بصمیمت اعلی بفرستد و چون کمیتش از قیمت کرد  
 بصمیمت بکلیس اعلی از جهت دولت دیگر اهل سایر صحایب و دند و بواسطه ترقی قیمت غله ضرر و خسارت باین دولت وارد می آید  
 میوقربون نام که یکی از مشاییر صاحبان کارخانه بود بر بخشی اعتراض نموده مدعی شد که اولاً اینکه معاهد معیار اصول تجارت  
 و ثانی در حق عمیجات کارخانه و غیره تعدیل رسومات تفاوت مناسبت و ملاحظه احوال را با بصنیاع منسخت دولت پادشاه  
 اینکه مستاع غایب که از قبل پدید آمدن غیر از ولایات خارج آورده میشود اگر خدمت آن در گنیز آن داد سست میگرداند بعد از اعمال  
 و تصنیع در این کارخانه میآورند و از آن مشهور است که در این زمان مشهور است که در دولت میگردند در وقت رفایست دولت در خط  
 مصالح کارخانه و عمده کارخانه پشتر خواهد شد و هر قدر در ترقی عمیجات کارخانه استقامت بیشتر شود حاصل و متاع بصمیمت با  
 دایرون تمام گشته زیادتر در مالک خارج بمصرف خواهد رسید از کم که و سایر رسومات حاصل صنعتی منعت کلی عاید دولت شود  
 از وقت کثری از دکلاد و رسومات مخالف قول میوقربون بودند و قبول این مطلب را نمیگردند چند سال در جناب کلهکو و مباحثه کردند  
 در این چنینی اشخاص اول و کلا و اعضا مجلس با او موافقت کردند میوقربون آنها را که مخالف بودند الزام دادند تا باین  
 از قول او تصدیق نمودند و اصول مذکور در استبول و حکم بر اجرای آنها کردند و بشکرانه اینکه باعث تیسر شدن اصول  
 عظیم القواید میوقربون شد بود صاحبان کارخانه مبلغ کلی جمع کرده تعارف دادند و قبل از استقرار اصول  
 اگر در سال صد هزار تومان متاع کارخانه های بکلیس ولایات خارج برده میشد بعد از وضع آن بجهت مناسب تمام  
 شدن متاع کارخانه استقامت آن در کثیر اعمال و تریز متاع مصنوعی در مدت چند سال بلصاعف سالها  
 سابق مستاع حمل و نقل بجا می نمودند رسومات دیوانی که قبل از وضع این اصول از متاع خارج زیادتر گشته  
 و بعد از آن تخیف داده گشته گردید سبب زیادتر شدن متاع کارخانه بجا می برد در طرفت چند سال از اول پشتر  
 و زیادتر گردید پس از آنکه میوقربون مطلب مقصد خود را در دولت بکلیس مضمی مجری داشت چند سال این  
 قرار داد معاهد شد خواست که این اصول در دولت خزانهم که بجهت کم آوردن مستاع از خارج بجهت  
 کم که استغ خارج را زیاد کرده بودند مجری شود کیفیت را با علحضرت امیر اطور خزانهم معروف داشت و بصمیمت  
 امیر اطوری نظیر بقواید کثیره که در مالک بکلیس مشاییر می شد میل در غنبت در قبول این اصولی کرده مجری  
 میوقربون اعلام فرمود که خودش میپارسی بود و حقیقت احوال و ادصناع را شناسایان عاید در حق است

بکلیس

حکمت سرعیت خود شش کسب نمودن از آن دو معانی یک مدلسی با بصیرت بیست و نه روز اول کلا دولت فرمایش کرد که در  
 که در تقویت ارباب صنعت و تربیت اصحاب صنعت آنچه لازم است هم تمام است بعد از آنکه بچه قواعدی نویسند  
 و از جمله بسند با وجاری کردن آبها و اصلاح بعضی اراضی خصل پیشه بی مصرف ای زحمت از پولیسکه برای جنگ  
 عرض کرده بودند و تا می خواستند در جنگ بصر فزاید و قدری مانده بود و در خوانده موجود بود پسند صرف نماید  
 همچنین اگر صاحبان کارخانه را خواهش می نمودند لازم باشد با ما بجهت خیرتی داد. با بسته می شود چون بعد از اصلاح این  
 خواهش فرمایش امپراطور از هر چه در متاع کارخانه های نخیس جمع کرده پانزده صندل بزرگ معلوم شده و در دستش تمام  
 پاریس کردید بعد از ورود پاریس در کاروانسای سن کلونزل گرفت و دست دوازدهمین اینک احدی از آمدن پاریس  
 مستخرج شود و از مانی انصیر او مطلع کرد در نزد حضرت امپراطور زنده داشت مشرقاً و مغرباً با امپراطور عرض بیان نمود  
 آخر آن را برداشتن اعتد کتان پنبه و کتان آبی بطور مناسب است چون از نخیس ما پرین و زیاد رفتن پارچه های صبر  
 و شراب و نسکس و غیره از فرانس کاک نخیس با رسوم مناسب حضرت امپراطور را متقاعد کرد و پس از امپراطور  
 اذعان و تسبیل منفعت طرفین اداین کیفیات بود و دستار داده شد که معاهد تجاری فیما بین دوستین اتفاق دیا بد  
 و با بچه پیش امپراطور فرانسه میفرمود چون از جانب دولت نخیس ما مورد عرض در منفعت اداین معاهد تجاری کردید  
 و معاهد نیز بر همه مت اتفاق دیاست چون این کیفیت در حق طرفین مستزم منافع کشید بود حضرت امپراطور لقطه نشان لیز بون  
 دو نوبت میفرمود میفرمود بون نشان را قبول کرده در جواب گفت این کیفیت اگر چه منضم منافع و فواید کثیره در  
 فرانسه بود من اصل خدمت ابرای وطن و انالی محکمت خود کرده استحقاق این نشان و اسطر مکافات از دولت فرانسه  
 دارم و از جانب صاحبان کارخانه های نخیس بعد از وقوع این معاهده که فرانس اصلی از مسیو قوریون بود منفعت کلی ایجاب  
 کارخانه از جهت زیارتی رواج مستاع عاید می شود و باره مسیح کلی فیما بین خودشان توزیع و تقسیم نموده با و داد و مد  
 و نیز توسعه اندازد و نیز که در محکمت انگلستان اشتراع و ایجاد توبس ششمان شده است احدی از خارج بکارخانه های مخصوص  
 توبس مزبور راه نمیدهند و طرز و طور ساختن توبس ششمان یکی نمیباشد یعنی آموزند این اوقات چهار نفر صاحب منصب از دولت  
 اسپانیرل نامور گشته بتیاد کردن ساختن توبس مزبور بطن رفته اند چون تاکنون کیفیت ساختن خود توبس اشخی داشته نشان از آن  
 از جانب دولت خواهش دستد عای صاحبان مزبور با جابت فرسیده اذن رفتن بکارخانه و یاد گرفتن نحوه ساختن توبس  
 ششمان با است داده شده است

۳۰۵۱

وقایع روسیه

در روزهای فرانکستان و فرانسه این اوقات سفیر دولت فرانسه بطریق هیئتی عالی که در فرانکستان معمول است کرده  
 بوده است بر وجه معاهد و لیجه حضرت امپراطور روسیه بصیافت دعوت نموده حضرت امپراطوری خود شخصه و بنفسه  
 بصیافت خایه ترین برد و هدیه از زلفش و لیجه خود شش خواسته بود تاکنون این سیلاد باین صیبا حضرت امپراطور روسیه  
 زنده بوده است این کیفیت نسبت بفرانسه اثبات محض می شده است

روزنامه وقایع اقیانه تاریخ یوم شنبه ذی القعدة شهر الثانی سنه ۱۲۲۲

نظیر در آنجا که طهران

نزد چهارصد و شصت و هفت



فیت اعطانت

نظیر باطنه  
انار است

قیمت روزنامه سالانه  
پست چهارمزد و نیاز  
شش ماهه از ده بانه  
و نیاز است

اخبار داخل ممالک محروسه

الحمد لله من اجاب جميع و همه روزه مشغول رسیدگی امور است دولتیه و غیره بنشد چون هوای طهران گرم بود از شهر بیرون رفتند و در قریه جمال آباد شیران که ایشیک آقاسی باشی در آنجا عمارت خوب ساخته است توقف فرمودند و از آنجا با اودیه تشریف بردند چند شب در آنجا ماندند و بعد روزه و زرا و صفا جنسبایان در وقت که فرمایند آنها را شنیدند و آنجا حاضر شدند و با هر کس کاری فرمایند بود حکم میفرمودند اغلب از وزیران و نوکران در همان اودیه چادر زده مشغول خدمت بودند در توقف اودیه باران بسیار شدیدی آمد که در البرز را مثل آنکه در سنجان فیه برف زود بود است سرد شد چنانکه شب محتاج پوشیدن خز و سنجاب شد و به وسیله بزرگی از کوه آمد و از نزدیک اودیه گذشت در این فصل که اول تابستان است چو وقت چنین نشد بود که اینطور مرد شده برف کوه بسیار از فوج خمسه و سواره خمسه که مأمور گردگان و سپهزادان بود از اودیه ترخص فرمودند و لازم شد دستور العمل امور تشریف بران را بر ابراهیم خان سر قبا فوج نر نوره رحمت فرمودند و تا که شد که بزودی بجل سور تین خود بروند و در دیگر سواره نظام که تازه احضار شده بودند سان دیده در کمال آمزشکی از حضور گذشتند به سپهسالار نهایت لطافت را فرمودند و چون سواره نظام ناصر الملک سرده است با هم اللغات فرمودند که در نظم ستاره خوب زخمه بر آید بود او اخوان ذی القعدة شیران تشریف بردند که از آنجا به بلخ و شکار شیرستان رفتند و این شهر سنجانک بهترین جانات است بنا است از خوبی آب هوا سردی بردند هوای آنجا بطور است که دو ماه بعد از کل سنخ طهران اول آنجا است و شکار بسیاری هم در کوههای آنجا است از هر قسم کما حتی زال هم پیدا شود یعنی قدری از شهر سنجانک بالا تر و دیکت بچکل کجور و در نزدیکی شهر سنجانک شکار خرگوش هم هست که که آسانی میتوان شکار کرد و در چهارشنبه حکم فرمودند سپهسالار و جمیع سرکردگان پنج پنج از فوج ساکنان طهران و سواره نظام نیز بر قصر شیران حاضر شدند و مشن حرکت کردند و شکار لغت نمودند در کمال خوبی از زخمه بر آید بعد از فوج نظام سالیست بر حمت شد و به سپهسالار زیاد رحمت فرمودند و از نظم فوج و سواره و غیره اظهار رضایندی زیاد فرموده و ترخص فرمودند

حالات متعلقه بوجوه و بنا کار علی حضرت است

# تفصیل درود سیار و وزیر مقیم دولت پر و کس در بار دولت علی شیران

معاذین و اصول وزیر مقیم مشارالیه بر عهد دولت علییه صدیقان سرمنگ حاکم محال مرزا از جانب مرزا آقا صاحب جهانب  
 آذربایجان ادرار دست چیرانی گردید بر آوا که یکی از مقیمین صاحب منصبان وزارت امور خارجه دولت علییه است از  
 در باره هایون بهمانه ای مورد تشریح حاضر بود رسم چیرانی عمل آورده با اتفاق روانه دار الحسلا شد در منزل  
 عرض راه انواع کرمات و احترامات شایسته عمل آمد و روز شنبه پانزده ماه شوال بقریه طرشت که نیز سخی دار الحسلا است  
 وارد و در چادر که از جانب دولت سیار لوازم آن برپا شده بود پادشاه شد به محمد رفاهانان مرتب اول رئیس  
 و محمد باقرخان سرمنگ و کینگزویز باشی با چاغی غنچه غلام و محمود خان کلانست وزیر مقیم را پذیرفتند و میرزا عبد الوهاب  
 نایب الوزاره خارجه از جانب وزیر امور دولی خارجه رسم چیرانی عمل آورده وزیر مقیم بر اسی بر اقی طلاق از مجلس  
 خاصه هایون برای معتمدی ایامه میا کشته بود و مصوب کینگزویز چرخ و دو نفر جسد دار پادشاهی فرستاده شده بود و سوار  
 و نیز سه نفر از صاحب منصبان سفارت که همراه بودند بر اسبانی که من غیر رسم برای آنها آماده شده بود سوار گشته و در بار  
 روانه شدند در شب در دانه ارک که عبور وزیر مقیم آنجا بود و دست نفر سرباز با کینگزویز و احترامات عسکریه عمل آورده همچنین  
 دو دست نفر سرباز دیگر در بیخ مرحوم میرزا انبی خان که وزیر مشارالیه آنجا منزل میزد صنف کشیده رسم احترام بقیم  
 رسانیده زده نفر سرباز با کینگزویز که برای تسدولی احترام همیشه حاضر پیشکشند پیش رفت کرده وزیر مقیم با همه مستقیمین  
 داخل بیخ شدند چهار نفر از مستوفیان دیوانی از قرار تفصیل در سفارخانه حضور داشتند رسوم مبارک و منزل

۳۰۵۳

میرزا زاهد کشته پسر میرزا بیچ ستمون  
 نوزاد پسر پسر  
 نیز از بیچ پسر پسر

و اهلار تفقدات طوکانه از جانب سرکار محضرت اقدس هایون شاهنشاهی خدائمه حکم و سلطانه عمل آوردند  
 روز دهم درود میرزا علی شمسینی مشخدمت خاصه هایون سعادتخانه در وقت از جانب منی الجواب محضرت اقدس هایون  
 سلطنته رسوم احوال پرسی بقیم رسانیده در نیمه درود معزیه سپیده ضایق جان نایب اشیک آقا سی با شئی منزل سفارت  
 وزیر مقیم را بحضور هایون دعوت نمود وزیر مقیم بر اسی بر اقی مریض که از مجلس خاصه هایون فرستاده شده بود سوار  
 گشته نفر صاحب منصبی سرباز سرباز با کینگزویز سوار شده شش نفر شاه طرشت نفری اول و دوم  
 فرانس هر یک با کینگزویز صاحب منصب در جوار فاد با اتفاق نایب اشیک آقا سی با شئی مشارالیه عازم شرفیابی حضور گشته  
 هنگام عبور وزیر مقیم معزیه ای از قرار تفصیل توجیه و سبب از احترامات عسکریه معمول داشته همچنین قراردادی عمارت

سرباز که در مداره شیران کشته	قراولان نظام که جلوتر بنیاد	سرباز که در میدان ارک از دو طرف کشته
کودک کینه نفر	قراولخانه های سرباز سیاده بود	چهار صد نفر
نمره بزرگ دم کله پلی صفت کرد	احترام نظامی کردند	طرف اطاق نظام طرف دیوانخانه
کینه نفر	کجا	دو دست نفر

و قیام و آهنگار در بار دولت علی شیران

تاریخ وقایع و احزاب در ایران و دولت عثمانی

۳۰۵۴

در هر جا که معبر وزیر معتمد بود احترامات لفظی مرعی داشته تا داخل کشیکانه مبارک شده و در آنجا امر او عیبان بجا  
که از فتنه انقضیل محض احترام وزیر معتمد حاضر شده بود و مراسم هر بانی و اتحاد و تهنیت مبارک و معمری داشته وزیر معتمد

حسین خان نظام آندو که صدیق الملک محمد رضا خان سرپرست محمد فتحان حسام الدوله سرپرست مصطفی عثمانی سرپرست  
ایر قان

سفری الیه ربانی آبایش نموده قوه و عنیان که قوه پی سگاری حاضر کرده بود صرف کرده قورس و لباسی رفت  
و حضور وزیر معتمد را بجا کی ای حدس یون عزمه داشته تر حسب اشاره حدس یون شیک آقاسی باشی وزیر معتمد  
شاه آیه ابا صاحب منصبان با نظم و ترتیب پیشگاه حضور همایون برده مسنگای که از امیر ارشاد کاندگان عظام

شاهزادگان عظام که عازم ساریه جواهر بود با شیر و پیران اطلاق  
در سحر اول محمد قزلباشی باب الایله رکن الدوله لطفه امیر ارشاد شیراز  
محمد قزلباشی خاد شیراز

و وزیر امور خارج در اطلاق مشور با اطلاق کلستان در حضور همایون و حسبی از امر او عیبان برون اطلاق در سلام خاص  
نماض بود و ذل شیک آقاسی باشی عرض اقدس همایون رسانید که میسوارون وزیر معتمد دولت پر و س از جانب حضرت  
پادشاه پر و س بانه مودت شاه شرف اندوز حضور مبارک سرکار حضرت آقامی یون میشود و حسب اشارت  
اقدس همایون وزیر معتمد با صاحب منصبان داخل اطلاق مزبور شده موریت خود را بر زبان فرانسه بطوریکه شایسته دوستی و تیر  
عوضه ادا نمودند تا یون حضرت پادشاه پر و س را که قبل از وقت در سینی فلک کرده در دست یکی از صاحب منصبان  
سفارت بود برداشته نزدیک برده سرکار حضرت اقدس همایون شاهنشاهی خداوند مکه و سلطانه بیست مبارک نامه  
گرفته و نیز امور دوله خارج دادند با الفاظ متذکره کمال اتحاد و یگانگی خود را با حضرت پادشاه و پگاه پر و س ادا و بیان  
فرموده اظهار تعذرات موکانه نسبت به وزیر معتمد مرعی فرمودند وزیر معتمد را الیه بعد از حصول مرخصی از حضور همایون بجان عظم

و ترتیب که بجز مبارک آمده بود مبسنزل خود معاودت نمود  
تفصیل ایانیکه از جانب پادشاه و پگاه پر و س معصوب وزیر معتمد مشارالیه بجهت حضور همایون شاهنشاهی

تصویر پادشاه دولت پر و س در پرده بزرگ با کلاههای چینی متن بزرگ که کوچک که بسیار است  
چارچوب و سباب شایسته دولت چهار عسده

کسان سلسله دوله پر و س که برای محفل حضور همایون آمده باشند بود  
پنجی همه اینها را در مشرفیابی از عرض پیشگاه اقدس گذر بیند و ایای آن دولت ارزاه دوستی در حضور  
مقام محسن یافت

چون اتحاد و جهت جامع اسلامیه فیما بین دولتین عظیمترین ایران و عثمانی معنی است که هر یک از چاکران حضرتین که آثار صداقت  
و خدمتگذاری بظهور آورده و در یک امتیازی از دولت ممتاز و سرفراز کرده و لهذا این اوقات از جانب دولت

تقدیر و قیام و آسایش در بار معصومیت ایران و در بار انحلال و استیلا

عثمائی بدینوجب نشان مجیدیه باشخاص مفصله ذیل اعطاشده از جانب سنی الجوانب حضرت آقا محمد باقر صاحب

میرزا آقاخان	میرزا محمدخان	میرزا علیخان	میرزا احمدخان	میرزا محمدخان	میرزا علیخان	میرزا احمدخان	میرزا محمدخان
در مصر کار بردار	در مصر کار بردار	در مصر کار بردار	در مصر کار بردار	در مصر کار بردار	در مصر کار بردار	در مصر کار بردار	در مصر کار بردار
اول است	اول است	اول است	اول است	اول است	اول است	اول است	اول است
درجه سیم	درجه سیم	درجه سیم	درجه سیم	درجه سیم	درجه سیم	درجه سیم	درجه سیم

معدنه عک و سلسله محض از ویاد در باطله دوستی فیا پس دولتین بجا جان نشانی مزبور از آن رحمت مرحمت شده که نشانی  
 خود را در اوقات مخصوصه آریزه صدر عهت با خود سازد و همچنین از جانب آن دولت پیرزاده الواب خان نایب الامم وزارت  
 امور خارجه و میرزا محمد رئیس دفتر خانه وزارت امور خارجه درجه سیم نشان مجیدیه اعطاشده اجازه استعمال مرحمت گردید  
 چون نظام امور سرحد که فاصل با این دولت و دولت محلی است انما پیشینا و حاضر خیر طوکانه چاشده اگر چه بعد از  
 ماوریت جعفر استیخان بمرحدات متصد بنا که دولت دس نظم کلی در سرحد حاصل شده بود ولی چون ماوریت او دائمی نبود و گن  
 بود که بعد از مراجعت او از بی ترسی بعضی ایالات مالی سرحدیه باز بی نظمی در سرحدات وی بود موجب شکایت کارگران  
 دولت بجا ریشده لذا از او همیشه حاکمانه اقتضای که حاجی میرزا احمد خان نایب الامم وزارت امور خارجه در زیر تعین سابق دولت  
 علیه در دربار دولت عثمائی که بعد از مراجعت از مندرت در دارالخلافه حاضر بود از دستبرد سوره لعل کافی نامور نظم و نسق حصد  
 صحت آذربایجان از استارانا اغزی کوچک شده و فرمان کلون داد بسده شهر جادی آن شیب سنا همیه مشکل بر این فقره شرفه  
 یافته بود لیکن بجه رسیدگی بعضی کارهای خود را به مرضی دولت چندی در کاب مستطابا رک با نذ این اوقات که عیش  
 از امورات شخصی خود حاصل نمود با از بچیان و از آنکه بجه مستحول بود قیام دست ام نماید و کتب جنبه تره که مالی بجا  
 صفت بشا رهب مرحمت و چون حاجی میرزا احمد خان همیشه در مواد خدمات از دستبرد استقامت بر عمل آورده است و  
 خیرهای بی اندر زنده تسکذاری و صدقات و راضی چشمزد بود و لهذا با عهدهای منسبت است اول وزارت امور خارجه  
 و نشان درجه دوم سرتپی و حامل مضمون آن از جانب سنی الجوانب آقا محمد باقر صاحب کلون موکانه بموجب فرمان مبارک سرفراز کرد  
 از آنجا که اتحاد دولت ایران روس لازم افتاده است چاکران و متببن بر دود دولت که در مواد خدمات آثار صدقات  
 و کفایت بطوری آوردند از جانبین مورد التفات شد و با بیا حظه جعفر استیخان سرتپی اول از بد ماوریت خود بمرحدات  
 خارجه سعی را در نظم سرحدات تسویه مطالب حقه بود دولت دس بجا برده حاضر خیرهای بی را از خود راضی کرده بود  
 و بیغنی در نزد اولیای دولت پند و دستیم بر جبه و صبح رسیده رفتار و استقامت پند او را در نظام امور  
 سرحدیه با مظهرات ادلیای دولت علیه مطالب دیده بودند لهذا بکفایت نشان سینه استام از درجه اول با حامل  
 مضمون از دولتشارا بها با در مرحمت از جانب مرحمت جوانب طوکانه هم اجازه بشا رالی داده شده که نشان مزبور  
 استعمال نماید (۵) نظر بطور خدمات و بیاشکی شایزاده سیف الدوله سلطان محمد میرزا و سابقه خدمات و تحمیلات معزی الیه در نظام  
 و محض مرحمت موکانه اورا بصبیح میل سرتپی اول در افواج نظام سرفراز فرموده بکتوب بچگون پوش مبارک عنایت فرمود  
 که با کمال اسید واری مشغول خدمتگذاری باشد

۳۰۵۵



تقدیر و استیجاب در باره امور و در باره امور

چون ای جهان آرای صیون در نظم امور قشون ممالک عروسه فوق العاده توجه دارد و شگفتی عمل آنرا را مقدم بر هر چه میسر آید  
 میسازد و بموجب فرمان مولهان مبارک بکل حکام و سبب اشرفین و لایات ممالک عروسه و سبب جنسبان و اسد و سبب دقتش و از آنم خبر  
 نظام از نامورین و متوقفین امر و مقرر شده بود که از کلیات جزئیات عرایض مطالبه قشونی و ابوتست میسر از همه خان سپهسالار  
 منصوره لطف م و غیر نظام که رئیس کل است بجای می مبارک عرضه دارند و احدی از آنها را از دولت قوی شوکت ازین احوال  
 که بدون اطلاع و استخبار سپهسالار بحضور مظهره هایون مصلی با عرض نموده استند های اجرایی آنرا داشته باشند باید از دیات قریبه  
 و مستزین کاتب یون عرایض مطالبه در باب عمل قشون دارند بوقت سپهسالار بفرمان حضور مظهره برسانند چنانچه که از مصلحت  
 صادر میشود از سپهسالار مطالبه نماید و هر که در کان بزرگ حشره از نامورین و لایات سرحدات و قشون کاتب حضرت شایسته  
 به وقت بیست و نه ماه با اخبار و اعمال و احوال و حرکات خود را روزنامه نموده سپهسالار اطلاع دهد که بجای می هایون مسرور  
 چون سوار اوقات سرکاد حضرت قدس هایون شامشای غدا بگذرد و سلاطین اوقات سرانمر سعادت خود را در نشانه  
 سعادت انصاف و رفع زکاء و دعوت به عتق و صرف میدارند و امر عیسی لایت سنج کر و کسان معشوش بود و در حسب قاعده  
 که در قدیم لایام ولایت که در کسان شیره شمار خود ساخته اند بر خاک و پایا ایجا فتنه رخسار یاد او در می آید و سینه  
 سکا میکه ولایت مزبور مغرب خیمه و کب حضور هایون به حکم جامع اطلاع بر رفع قواعد دعوت و دفع رسوم سعادت در آن ولایت است  
 آنجا شرف صدور یافته آنجا اطلاع آمد مس سبب یک روز نامه نیر حکمت کارش یافته بود و در این اوقات نیز مظهر اجر  
 احکام سعادت آئین و استقرار امر حضرت قریب حکومت کرد سبب از اجده کفایت و کفایت عزیز خان سردار کل که در پیشگاه حضور  
 اندکس هایون شمشای کمال درایت و معرفت بی سبب مذکور ای جان شادی سعادت معروض بود که اول فتنه بود که لازم  
 جد و جد در جسدی و امر نوکانه و تقسیم احکام سعادت فرجام شان جعل آورده در رفع قواعد مذکور وضع قوانین مجدد و جسته و کمال  
 مراقبت مواظبت مرعی دارد (د) چون ش هزاره چشم اندوز خان میسر از لایام حکومت ولایت بر وجود در سرپرستی رعیت  
 آنجا حجت و نظم و نسق ولایت مواظبت مراقبت تمام حضور رسیده بود و رعیت ایشان از غرور خستاری این ندیدند و عاصمی  
 خوشنودی داشته اند که مظهر رعیت نوکانه در حق سبب رعیت رعایای آن ولایت حکومت آنجا را بر خصم همان فرموده بعد  
 شاهزاده مغزی لیسه معتمد و موکل داشته و فرمان مولهان هایون شرف سعادت است و سعادت الله و له حاکم سابق آن ولایت را بانجام  
 تمام و حکومت و انتظام و ایراد لیسه کان امور فرموده و سبب آن مظهر سعادت در مقرون گردید و سعادت رعیت است و سعادت  
 رعایت پذیرفت (د) نیز مظهر معنی مان صاحب یوان که بوجبه شرح مسطور در روزنامه گذشته سبب رسیدگی ایوب استیفا و سایر سعادت  
 خود بشت رالیه در باره سعادت از هایون سعادت شد و در جمیع چهارم که کوب خیر دوزی کوبت هایون شریف فرمای منظر تیرگی  
 از سعادت خوب شمیران است بود و شالیه سعادت خوبی در آنجا سعادت است و ارد شده شرفیاب حضور مظهر مبارک  
 گردید و مورد تقاضات توجهات نظر آقا شایسته شریاری آید و بطلب کی کوب کلچین پر شس مبارک برافراز و سعادت  
 چون سر بر آنجا حاکم لا اچان در آبادی محل در سبب رعیت کمال مراقبت مواظبت را مرعی داشته سعادت خود بخود را با کمال  
 اهتمام انجام داده بود و در سبب مذکور ای شالیه در پیشگاه حضور مظهر از حدس هایون موقع قبول و استعانت یافته است  
 بقرب این ایوانی مظهر و با سعادت کتب سعادت سعادت سعادت سعادت سعادت سعادت سعادت سعادت سعادت سعادت سعادت

۳۰۵۶

بازار

بازار

بازار

بازار

**استرآباد** از قراریکه نوشته اند در چهارم شهری القعه جمعی ترکان استرآبادی پسندند از طلا و نقره خود که چندی قبل برفتند و بود و در دست ملک عباس یوزباشی گرفتار شده و قبل رسیده بودند در دستش چنانچه آوری نمودند خیال قافی داشتند تا زداشته اند از قراول سکر آبا میرزاده در سیرانایب الحکوه استرآباد خبر میدهند و هم فوراً با سواران سکر آبا میرزا و تراکنه فرزوره را محاط نموده بنشینند سر و پهنه سپهر از آنها دستگیر نمایند و باقی سکر آبا سینه علمها منقطع همایون بکبک را شرف آمداریست که جمع آن سکر آبا بفرستند که تراکنه یقین نماید که بعد از این برای محاسبه شرف است و هرگز که جز بقتل ضلایمی نخواهد بود و در این سکر آبا میرزا **کیلان** از قراریکه نوشته بودند شاهزاده در کله و الهی کیلان میرزایکی وزیر و سایر امالی کیلان که از رکاب مبارک که منور شده فرستند در روز چهارم شهری القعه الحرام دارد در شش ماه مردم لایق استقبالی اهل آورده اند مشندان مبارک را که در اجلاس کتایب قانون صادر شده بود در مسجد خوانده عاشره مردم از منیم قلب زبان شکر گذاری دعا می جوید و مسعود همسایون محضرت اقدس شایسته بی عتد اند و سطلانه کشودند و از فرستاده نوشته بود زنده است در وقوع بارنگی مسیح بران نیامده بود و امالی ششماهت کمال حشت را داشته اند نیز در این اوقات شبها زود باریکی بسیار خوبی شده است و قیمت برنج و شکر که ترقی کرده بود مثل کرده است **ماندران** از فرستاده نوشته بودند امر آن ولایت اینست که کافیه شاهزاده ملک آرا حکمران از مازان استرآباد کمال شگفتی را دارد و در ماه ششماه سوال بارنگی بسیار خوبی شده است و مردم آسوده خاطر مشغول دعا گوئی چنانچه

بازار

در ضمن روزها بجات سابقه نوشته شده بود که از جانب سنی الجوانب همایون غلام حسین خان غلام شیخ مستطاب پکانی نامور شده برای خواجه سیستان و بیچ ضلع در شعاع و فندان محبت توانان را به بود بعد از ورود او سکر آبا حاکم سیستان با جوان سربندی و سردار محمد شرفیجان سردار کمال خان بیچ شرفاً و محمد الوارم استقبال و احترامات بکفایت دولت نموده بزیارت فرامین قضائین شرف جسته زبان بجای بعتای دولت و یدایت کشودند و با کمال استظفار بر احوام لوکا مشغول خدمتگذاری بودند یکروز در قسطنطنیه شد که با این خواجه سربندی بیچ سرفه است یکی اجماع نموده بعد از اسم جان شاری عقد مراتب خدمتگذاری دولت با وید قرار مشن لفظ و عهد کردید و سردار حاج محمد خان با جمعی از خواجه بیچ و سیستان به راهی غلام حسین خان برای پیشد با خان بیچ که در آن طرف میرمید واقع است از طلا و نقره با ساخت همشاد را آمد بعضی اموال دولت استال از قافله کرمانی رفته و برده بود و در فرستاده آنچه که از اموال فرزوره قف نشده بود که فرستند و بعد از آن خواجه سیستان محمد امین خاگر که از خواجه مستطاب کجاست با تقاضای غلام حسین خان در رکاب حضرت شایسته همایون نموده در مقام عرض و سپسته عابر آمدند که از دولت بخدمت میرمید را که مشهور است چند عرق و چند ناز و آن اولاک را که خالصه است آباد نمایند که از آبادی آنها سدر راه تاخت و تاراش را بلوچیه از نعمت و راه و تصنیفات بشود و موجب شرفندی و انفعال امالی سیستان از خدمت دولت نگردد و دستگی که مرکب فیروزی کوکب همایون در داد و دیه بجهت بیعت میلاقات تشریف فرما بود غلام حسین خان با محمد امین خان بسیار غنا و اکان سیستانی شرف اند و حضور هم حضور همایون که در مورد شرف و احوال منور و از ششماه

بازار

۳۰۵۷

بازار

صفا

**اصفهان** از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند امور آن ولایت در کمال نظم و انضباط و انالی در مسد امری امان جای  
بقای عسکر دولت چادیه بنیان مشغول پیشینه شاهزاده چشم اند و لاجوا آلابودی کامل حاصل نموده همه روز مشغول انجام  
همام دیوانی و نظم لایست چاشد و در آبادی تعمیرات باغات مسطانی مساعی بشد میرزا ابو طالب بنفشه کار شاهزاده مغزی  
نیز هم روز بستوفیان دیوانی اصفهان در شش خفته به کمال وقت مشغول رسیدگی محاسبات و معاملات دیوان علی پیشینه افواج  
ناموره اصفهان همه روز به یکجای متوقف آنجا در میدان سلطان مشغول مشغول شش نطای جمعی شده از سایر ولایات عراق عراقین و سایر

عراق

در روزنامه آنجا نوشته اند که فی الملک حکران استان لرستان بختیاری در مرجع است از محرمه با کمال نظم حرکت نموده اردوی سهری  
خود را در نهایت شغف و اشتیاق و غفلت مرآت مبارک که از جانب شنی الجوانب جایون در حق او مرعشده بود در منزل آمو از  
شرف رود در زمانی پیشه شایه با سرکردگان و خواجه سهرای خود شرایط استقبال و مکرگذاری عمل آورد و غفلت مبارک را از پیشه  
مناقصت خدایند در ساختن چاه غنا علی سهری راه عوبتان لرستان حفظ طریق شواخ قدغن کبیده نموده مستخفین کاشته است  
دارا سوار اصفهان فرستاده در کار کجاست اراد او به شایخ غازخان از حکومت حبیب استمال داده است و در مراجعت از آنجا قرار بر  
دست داده بر استان خواهد رفت از قراریکه در روزنامه نوشته اند در محسن خان نایب الحکومه نهایت رسیدگی در امور رعیت  
و نظم ولایت اردو مردم به شای رحمانندی مشغول دعا کونی دولت عینه پیشند

صفا

در روزنامه آنجا نوشته اند که شاهزاده حاتم سلطان میرزا حکران صاحب خستیا رحمت فارس در نظم و نسق محکم  
و دقیق هستی امور دیوانی کمال اهتمام در مراقبت رادارند و جمیع مردم با نهایت خوشنویستی به عا کونی دانت اقدس سپاه  
میورزند و افواج است بره نامور آنجا با کمال نظم و انضباط مشغول مشغول انجام خدمات موجودند و میرزا باقر لشکر زین بیان برادر  
چکنی را دیده جوانمائی قابل و سبهای خوب است از آنجا جانب شاهزاده قدغن بدین سان افواج متوقفه نیز از شده است  
و نیز نوشته اند که در اوایل بهار قدری بارندگی گشته بود و بی بجا الله تعالی اراده شوال بارندگی بسیاری مرغ شده است مردم را  
ایمنان مغزی بهر رسید است دست شاهزاده حاتم سلطان میرزا در جبهه تسلیه زاراک در کوشن جمال بهار و تسبیح او نهایت جاد  
در مشادت ظاهر ساخته بود نامور بکوشن همین نام نموده اند که از تسبیح جمال است دستور و دستگیر شده است

**اخبار ممالک خارج**

صفا

در روزنامه عجیب از فرانس نوشته اند که در شهر بروکسل پای تخت آن مملکت ایما اوقات درادی جوهره از اتفاق  
افتاده است کینزد از بد بصری که بوده است داخل عمارت دولت میشود و با اینکه خود مشرک است آنجا خواهد بود است  
میرد و ساعت بیاد زنی قستی که پادشاه انگلستان بدلت مزبور به فرستاده بود با دو پرده تصویر از دیوار باز کرد  
و بر میدارده میرد بعد از آنکه از برون در دست ساعت پر دارا خبر در میشو ندبار و خبر میدهند و دار و ذکر و شش در  
و ساعت را که در نزد شخصی کرده نوشته قدری پول گرفته بوده است پد نموده است می آورند اما از نزد پرده  
از شادان از حلقه نمیشود

# روزنامه قانع اتفاقیه بیابان یوم پشیمانه ششم شهر ذیحجه الحرام مطابق اولی



## اخبار ممالک محروسه

این اوقات رای عالم آرامی همایون عجلت اقدس شامشای بر آن مستد ریافت که چندی در بلاق شهر استانک که پشت  
 کوه لرزد واقع است بهوش نهایت اعتدال ادا دارد و شکارگاه بسیار خوبی است سیاحت و تفریح فرمایند لکن در گذشته  
 چهارم شهر ذیحجه الحرام غنیمت فرموده اولیای دولت عمده سپهسالار و امین الدوله دستوفی الملک و عمده الدوله وزیر امور  
 دول خارجه و دیگر الملک با معده وی از سایر چاکران در بار پسر حشام در الشرام رکاب مظفر فرجام حاضر بودند پس از  
 توقف در محل فرورد کوه بزرگ مشهوره که شکار زیاد می آید در جیب امر قدر قدر رحمت انداختن غلام شیخ رحمت خاصه حضور یافتند  
 و مصطفی قلیخان سیر شکار جیبی از نر باز و غلام و فرماشان حضور جگر نموده سرکار عجلت اقدس همایون تشریف فرما گردیده  
 چهار صد و بیست و دو عدد خوش است مبارک شکار فرمودند و فی الحقیقه کمال قدرت در تیر اندازی ظاهر نموده و چنان  
 بود که بسته شده بود که آنچه شکار بود شکارند از آن جگر خارج بشوند که شکار از آن شکار شکارند و چنان بزرگ و قوی چشم بودند  
 که یکی از آنها شامی بیک شکارچی زد که تا دو ساعت پشوش افتاد بود و چنان بکلیز از فرماشان که در زیر سسکی نخی شده بود در اسباب  
 جست و خیز شکار فرماشان از کین بکیر تیر سبزه آورد پای او گرفت شالست او را نگاه دارد از بالای کوه تا پایین با یکدیگر مغلطه  
 عجب تر اینکه فرماشان دست از پای او را کرده و خود را در او چار آن رحمت ساخت و شکار فرورد بر بجز رحمت ظهور یافتند  
 آورده مورد انعام هوا که کردید بسیار عزیزین رکاب هم چند عدد که شکار فرمودند با کمال مسرت مراجعت فرمودند و نیز تفریح  
 حضور همایون رسانند که در نزدیکی قرینه دو نامن مجال از رود نوری رخ را شمس کزن مرال از چکل بزرگ پرودن آمده نزدیک باین قریه  
 استند رای مبارک همایون بر آن حلاقه یافت که در شب بطور چشمه شریف فرما گردیده آنها را شکار بکنند و این  
 دولت که در رکاب همایون بودند چند تن از خواص در بار کردند و در این باره مدارک بسیار مختصر غنیمت فرموده و در بعد  
 و ره و شکار کوه زنها تشریف بردند و پس از آنجا بدست مبارک شکار شد جمع عزیزین رکاب همایون را از این قسم  
 شکار فرمودن حیرت و تعجب حاصل آمده با کمال فرح و بساط مراجعت فرمودند و این محل شکار را در جمله جاهای بسیار باستانی

حالات متعلقه ای چون سواران عجلت اقدس همایون

۳۰۵۹

تقدیر عالی است متعلقه بود که در این روز

وقایع و جنایات در این روزها می آید

که در هر دو صفای مثل دمانند است چنان بر او سرده شد که در نماز صبح آسمان شرمین کباب از درختای کوه آریسر مچکل علی انصاری  
آتش می افروخته شد و هر اوجیه ترز باید بود حال که او اسلما تا بستان است آن محل مثل ایل بهار که او نورستان بر او است چنانچه  
در وقت آن بران قدمای کوه را برت میزد و آسمان کلها در کوهها در آلوده و چشما پخته بود که مثل کین باغ پر کل در سبزه  
بلای کوه آنجا ایل مچکل بزرگ از نذران است و صفی است که در کلار استاق و قدری هم از مکانهای نایاب است اگر در ابرام  
نزد در برای خضر سیم بنظر مبارک که میرسد قدری در بالای کوه تماشای نغماتی از فرموده معاودت بمنزل فرمودند  
در آن مکان توقف فرموده مراجعت بهرستانک فرمودند چون آفتاب به هم شمرده و چقدر در شهرستانک توقف دارند که  
کتابکار که مخصوص هم در شهرستانک است که آن شاه از قده شکار فرموده در روز فرموده بهار است مبارک که سیاق بنیاد  
نزدل جبال خواهند فرمود لیکن با وجود سواری و شکار روزی یک روز بمنزل توقف میفرمایند چنانچه کارهای در  
رسیدی میفرمایند روزی که از کارهای دولتی فرغت از نذر سواری شده بهنگام میرود و در امورات دولتی را بر همه چیز مهم

نظر که مراتب است کنایت در اسم من نیست ارادت عزیز خان سوار کل در پیشگاه حضور بهر انور مایون مضمین  
و ظهور رسیده حسن خدمت و در انتظام کلیه امور حکومت آذربایجان ظاهر و با هر که دیده است فایده در روانه نمودن  
افواجی که انحصار کباب مبارک شده بود در کمال آراستگی و خوبی وقت موقع فرستادند لهذا محض ظهور مرحمت  
کلیقه نشان میرونی نخل با ناسن با این آن خوشتر از این مرحمت آنها ذکر دیده و نظر بیکه ایلات عشایر شامون  
اروپا و سگین و غیره سواره باعث بی نظمی بود و در عسب و مرد و بی روی و تشاق حزابی احضارت بر عین میر  
رای جهان آرای مایون شامش بی بقعه قاپو کردن آنها علاقه گرفتند کون ضمیمه فرار در انجام این مهم سوار کل معلوم  
دمش را ایله در ایام سرکشی سرحدات قزاق و داغ و اردیسل در معاودت ایل از معان ایلات سعید را غنچه قاپو کرده و در

۳۰۶۰

شاه سگین شامون سردار  
چهار هزار خانوار  
کیز او با پسر خانوار  
یک هزار و پهن خانوار  
عاجی سلو و قزاق  
کیز او و پهن خانوار

و سایر کینه سواران این خدمت در خاک پای مبارک بغایت مطلوب و شمس افتاده موازی کیز اسل سیراق مرصع  
خانم مبارک با فخر و عیبت بار و مرحمت کرده به حسب عرض مستعدای سوار کل بسنگ دانه هزار تومان از ایلات که  
قاپو شده اند تحبب مرحمت و تفرشده که آسوده خاطر شغول ماضن خانه و فراسم آوردن اسباب بر صحت بوده  
بوار نم کب و رعیتی قیام و استدام نمایند و در باره رستم خان و فرضی خان ایل پیکان ایل شامون اردیسل و سگین که در  
کردن ایلات حسن خدمت و صداقت خود را اعلا فرمودند و در حجب سرتپی نشان و حامل سرتپی سیم مرحمت شد و حکومت  
سگین بجای خان شامون سگین عنایت کشته کیش جنبه که تانی برسم صفت مرحمت کردید (۵) چون میرزا ابوالقاسم  
میرزا الیک پشکار بحسابات آذربایجان از جمله شیخ و کزاندن محاسبات آذربایجان بحال صداقت و خوبی برآمد و صد  
اد در پیشگاه سید مرغوب و مطبوع فستاد لهند محض اظهار مرهم پیاپی کویقه نشان و حامل سرتپی اول

توسعه و آبادی در استان فارس و دارالخلافه طهران

مشاوره محبت و ارسال شد [ه] نظر با که غریزان سراسر اکل متعین در سربازان استخوان نموده ترقیات میر  
 سعید خاکی مبارک داشته بود باعث از یاد مرا هم لوگانه آمده مسیح ششده ششاد تومان بر خارج دو واجب  
 سابق آنها فرودند و پانزد قطعه نشان بقاوت مراتب یکقطه شمال کرمانی نیز نزد سراسر اکل ارسال کرده  
 که از بابت تفاوت موجب نشان خدمت به یک سزاوار باشند بقدر کجایش (ه) چون محمد صادق قاجار  
 سرکنگ توخانه مبارک در شش مرتبه تریز در تربیت متعین و موطن تحصیل آنها مراقت تمام عمل آورده در شش توپچان  
 توخانه آذربایجان نیز سی و هشتام کامل بطور رسیده بود یکقطه نشان سرکنگ از مرتبه اول جلال آن مرتبه در حق او در شش  
 و چون محمد اسماعیل خان وزیر کرمان در انجام خدمات یوانی و نظم و ولایت و وصول و ایصال ایالت و نیت و احسان  
 خدمات خود را در پیشگاه حضور عالیون ظاهر ساخته بود سرکار محضرت اقدس همایون شاهنشاهی در اربعه بند  
 وکیل الملک برافرازد نموده بر پایه عهتبارش افزوده مذکور شد در جملگان مبارک شرف صید از نیت عزانفاذ یافت  
 چون در رسوم و عادات عمومی دنیا است که بعضی از ایالات و رعایای هر دولتی که شرارت طبیعی داشته باشند بنیاد آنها که در  
 جبال صعبه و صحاری وسیع مسکن دارند گاهی که اندک از خای عسکری از جانب دولت رخسار آنها واقع شود با ستیزه و طغیان  
 تا کن خودشان که یا کوهستان سخت یا صحرای وسیع است بنای قریه همسایان میکند از نوادام که دولت در حساب  
 سیاست آنها توجه کامل دارد بر حالت طاعت خود باقی میماند و بسا پیشه که اگر غفلت روی به اندک از کمیت و استعداد  
 فراهم آورده نام و مکن برای خود ساخته اسباب حصول مرارت و خسارت برای دولت تیر شود چنانچه طوایف کج  
 که ایل و رعیت این دولت عمده در قطعات خراسان و کرکان ساکن هستند بعضی اوقات که سلاطین فارس و ایالت همسین چون  
 اعتنا بنظم دیار است آنها شش سبب شرارت فطری و ظهاری که بسا کن خود و اتصال آن را رضی بر پاهای بیخ فطری  
 موجب الحاکم باشند سر از اطاعت دولت عجزه بعضی جا را برای خود دستنایق میساختند و بهین قدر هم گفتا کرده باخت توان  
 به و دیگر محکمت می آوردند با همسر دولت بقنا و صرف اوقاتی نموده در صد و کوشمال آنها بر آید سیاست خود بطبع  
 و نفاذ کشته دست از شرارت باز میدهند مشغول رعیتی خود میشدند چنانچه در سفر اینکه نوایب غفران است با سلسله  
 بجانب خراسان رعیت کردند لانه توچه را در تپنده تا و پیم بطور ایف کردن همیشه کردی از آنها عمل آورده و تا چندی هم  
 نظم و درستی حرکت میکردند و در این عود و قریه قرار سلاطین این دولت نام را بر همسین بر این شده بود که علاوه بر کجا  
 دیگر ادای ایالت پیشکش و دادن نوکر کج نام خراسان استرا با چند کس از نوامای آنها را نیز زمین و شغیت میکردند برای  
 اینکه دیگران بر دست و جسیا حرکت نمایند در این اواخر بسبب فقراتی که بعد از هفت شاهنشاه مغفور در سینه منحل التور  
 در خراسان وی داد طلب از نوامای طوایف فرود که نزد هفت الله التبارخان مشغول خدمت و سپرده با وجود در  
 ز اطاعت کرده اند بنامی شرارت که پیش از آن سینه انفرمای مغفور در سینه و ن سیر را و بعد نیز حشام سلطان  
 سلطان را و سیر ز ادلی خراسان اقلاتی برای شسیه و کوشمال آنها از جانب مردم و سرخس فرودند و بقدر لازم مقصود خود را از  
 نظم آنها گرفتند کردی و غیره عمل آورده لکن چنانکه کلی تسلیم ماده شرارت آنها را نماندند کم در این اواخر کار را

۳۰۶۱



تعیین اخبار و در اخبار ایون و در اخبار

بجای رسانیدند که مرد شاه جهان را محکم و محل جمیع خود قرار دادند و از آنجا بحقیقت عدو زیاد منفرق و منور شد  
 دست اندازی و آخت نماز بسیار بلاد خراسان میکردند حتی چند قریه از مسرا و خراسان که این یکی از آنها  
 یکی ساوات بودند بلرزه خراب و ویران کرده زنان و جوانان آنها را با سیر میزدند و پیران آنها را کشتند بلکه بسیاری  
 از شهر و دایه خراسان و ستر اباد بسبب همین ناخوشی و نازهای زکمان در آنجا سخت سامان قادر بر زحمت نگاهداشتن  
 ایلی و سواشی نبودند و بایست همیشه باتیه و استعداد حرکت نمایند با غلبه و قهجات خود متحصن باشند و چون حق  
 است که در کف حمایت یکدست و نیکوئی نمیکند بر ذمه سلطنت این است که آنها را آسوده بدارد و از شر ظالمین و  
 سارقین حفظ و حراست فرماید لاجرم اینجور کات آنها را و طبعان و عصبانی که طوایف مزبور به کرات عدیده مسمول و  
 بر طبع عبور افد سن مایون ناگوار آید امر و مقرر فرمودند که قشونی بقدر کفایت با تیه و نذار کی که لازم آن بود  
 در آن آن حد و شده طوایف مزبور را که شمالی بتر آید آنها را در سر جامی و نسا بنده هر جا را که برای خود محکم  
 و متعاق قرار داده اند از وجود آنها پر حشمتی که لازم است در حق اشرار آنها عمل آورند و از قرار یکدیگر این است  
 در روز نامه خراسان نوشته بودند حتمه الدوله که والی مملکت خراسان و سردار قشون آنجا است با مرافقت آنها  
 قوام الدوله وزیر خراسان در فرقه ماه ذی قعدة احرام قشون مزبور را با استعداد تمام و شایستگی و نظام لایق که  
 نخص و قصوری در آن بوده است حرکت داده در آنجا و در وقت با بد در مر و باشند

۳۰۶۲

کیلان از قسرا ریکه روز نامه نویس آنجا نوشته بود شاهزاده رکن الدوله حاکم کیلان ریسر از کی وزیر  
 در اجرای قواعد و قوانین عدلیه که حسب الامر قدر قدر اعلی کتا کچ طبع و مقرر شده است زیاده از حد  
 وجود دارند و شفقا در خدمات دولتی ساعی جا هستند نازندان و ستر اباد از قرار یکدیگر نوشته  
 شاهزاده ملک آزا حکمران رنذران که ستر اباد در نظم ولایت و فکر و نظم نمودن مرحدات و رفع خود سوزی آنکه  
 اجرای قواعد عدلیه که حسب الامر قدر قدر اعلی مقرر میباشند اقدام با اهتمام کلی دارند و خلاص آسوده خاطر به  
 دوام دولت سرکار عیضرت شایستهی خداوند ملک و سلطان قیام و اقدام دارند و از تفصیلات التي از ماه شوال  
 بارانهای نافع آمده باعث اطمینان مردم شده است

داری

قر وین از قرار یکدیگر نوشته اند حاجی میرزا عبدالقادر خان هم در اخبار و ضبط و تسوق با ت آبادی خالصات و اینست  
 و آسایش رعیت لازم است تمام را در دوشیک گذارد و دیناری تعدی اجماعی در رسم با جدی بشود و دیناری سیکش  
 و تعارف از احدی قبول ننماید و در انصاف و مجلس صلحانه سعی تمام نموده از اعیان و شهرت لایت جمیع امین باشند  
 در روز نوشته که گویا بنام و جمع امور و بجا بد شاهزاده حاکم آنجا رفتار نمایند و در ولایت از هر چه منظم و خلاص آسوده  
 باشند

داری

کرامت شاهان  
کرامت شاهان  
کرامت شاهان  
کرامت شاهان

**علایرتو سیرکان** از قراریکه نوشته اند در مورد شاهزاده محمدالدوله حاکم آنجا مجمع امالی  
آن زمان بود از جم استعجال ابعمل آورده خو استیج بود که کادو که سفند قربانی نایبندلی شاهزاده معزی الیه  
باع کشته کشته بود که ایگونه مرسومات حسب الامر قدر قدر اعلی بکلی موقوف و متروک است بعد ازین بنا بر مرتکب  
در جمع پیشکش و مرسومات اوقوف نموده حتی برای تنبیت ورود بقاعده مستقیم قدری شیرینی در منزل معزی الیه حاضر  
ساخته بود نیز برای جشنودی مردم شیرینی فرستاده کرده قیمة آنرا جدا جدا داده اند و کینفر فرانشس بالصد دیار شخصی  
گرفته بود فرانشس را چوب ده باضاج کرده اند ازینجه زیاده از حد مردم دعا گو و شکر کرده اند و شاهزاده معزی الیه در نظم  
ولایت قرار کار رعایا لازمست تمام را دارند **اکملان** امر آنولایت از حسن رفتار محمد حسین خان حاکم آنجا نبات  
اشطام را دارد مردم اسوده مشغول دعا گوئی بقای عمر و دولت شاهانند بلکه پیشند ازین ولایت و قریه خیرین

**کرامت شاهان** در روزنامه آنجا نوشته اند که نهایت ایتت در جمع معابر مسانک و شهر و بلوکات  
آنحدود حاصل است شاهزاده عمادالدوله حکمران کرامت شاهان در معبره اوقافین در سرپرستی عایه برابا لازم  
است تمام را دارند و افواج نامور بکنند در نهایت نظم و انضباطی چاشند و در جمع سعادت قراول و مستخدمین  
است مردم با آسایش خاطر عبور و مرور نمایند **سلسله ج** از قراریکه نوشته بود در آنولایت نهایت  
اشطام را دارد و بختی خان نایب الحکومه آنجا بر حسب امر کلیه های یونی جسمی از نوالی و مشایخ و خوانین و اعز و کسب  
برای مجلس مستحق آنجا انتخاب نموده چند مجلس نشسته در باب بعضی امور که باعث آبادی آنولایت است گفتگو نمود  
و صورت گفتگوی آنها را بجهت هر طور همایون فرستاده بود و محو نظر نمود همایون کردید چون نزدی حسیه خواهی و صلاح  
بود مقبول خاطر مبارک افشاده و دستمرا مطالبی که نوشته بودند فرامین ملاحظه شرفند بعد از آنکه نزد بختی خان نهادند  
که در اجرائی احکام قصف نظام سعی و اهتمام نماید و انشاء الله تعالی بود در روز آبادی آنولایت افزوده رعایا و برادر  
آسایش حاصل آید (۵) و از غرایب تعاقب که در آنولایت تعاقب نموده است مرغی غانکی را بهیچه چینه برای  
بر آوردن جو در برهناده بودند یکی آنرا کنا چاه پناه چاه بال داشته است چون از غرایب بود در روزنامه نوشته

۳۰۶۳

**کرامان** از قراریکه امور دیوانی و مهمان ولایتی آنجا از جهت منظم مردم در نهایت آسایش و جا کونی ذات پهل  
بمحضرت اقدس همایون شاهنشاهی اقامت تمام شده است که اشتغال دارند و محمد اسماعیل خان کیل ملک وزیر آنجا صفت  
و که خدایان بعضی عایای بوک در شهر خواسته در مساجد داده شده بهیچیه آنها تحقیقات کافی بعمل آورده هر یک در آنجا  
که حسن سئوگن معلوم شده است بکل و بکل که در دست داشته است و آن نمود است از هر کدام فی الجمله عیال  
شده بود معزول نموده دیگر بر مضروب نموده است و جمع طرق و مشاوع آنحدود نیز نهایت ایتت او در در خارجین  
و مستقرین اسوده خاطر چاشند

سیستان

سیستان از تواریک نوشته بود در سردار جعفر خان حاکم سیستان خود نیز در امانت سیستان در دست  
دولت علیه اتفاق و اتحاد تمام دارند و علی حسب المذود در درخت معبار در سالک کوشی سینه بند که از طایفه بوجیه دست  
و دزدی نیست بقوافل و مترددین روی در و بعد از آنکه غلام محسین خان از آنجا در برابر مایون معادلات نموده است سردار  
جعفر خان حیات و عازم شده است که برود و سیستان را ببندد لیکن از تفصیلات الهی برانندی نتواند آید است  
بظهور که جمیع رودخانه محکوم شده از قبیل مستغنی شده اند و جمیع مردم با نرسوقی مشغول رعیتی و دعاگوی وجود مبارک مایون می

### انبار ممالک خارج

در روزهای اخیر نوشته اند که ولید حضرت پادشاه انگلستان با چند نفر از سیسل زادگان و مسلمانان خود در سیسل  
تفریح و شکار پروردن نموده بودند در پیشانی کشت که از بزرگمکاه رعیتی که در آنرا اخذی نموده و اطرافش را با بونه خارها  
و عنبر و صهار نموده بود در حین نشیند و جزئی خسارتی هم بزرگت میرساند صاحب رعیت که بجهت شغلی از آنجا آدم خارج بجا  
از همگاه داخل شده است در حالی آید در صهار را می بندد و بدون اینکه سوال نماید که کیستید بنا بقانون و اصول مجلس  
که بر کس چون اذن داخل صهار و باغ کسی نشود باید یک را که پشت دو متر و نیمه است به از آنجا تر جهان مطالبه نماید و بگوید  
تا تر جهان اندر سیسل اندر ماز صهار سپردن برود و در از ان بدون همیشه احوال همانا خبر نمائید مطلقا گوش نداد و قبول نکند  
و سیسل بر هر که است باشد آنچه قانون و دستور را در وقت بیامی بندد و پروان برود و هر چه اصرار نماید در بابا نکند آنرا  
هرگز تغییر یک بر داده و از آنجا خلاص گشته پروان می آید و بعد مرقوم از نعل صاحب مزرعه سنتهای استثنایی هم میرساند و تفصیل  
که در صورت ولید بودن مجلس محسوس او مانگاه و شب و در شب بر سر سفره بکیت حال را با حضرت پادشاه انگلستان نقل می  
و حضرت مرقوم تحسین عمل صاحب مزرعه را کرده فرمایش نماید که اگر در تحصیل عبودیتش خود شش قیام نموده بود در مرقوم  
که حقوق او را بگیریم و با او برسانیم

۳۰۶۴

و قیام بجا سیستان

ترجمه و تالیف اسلامبول

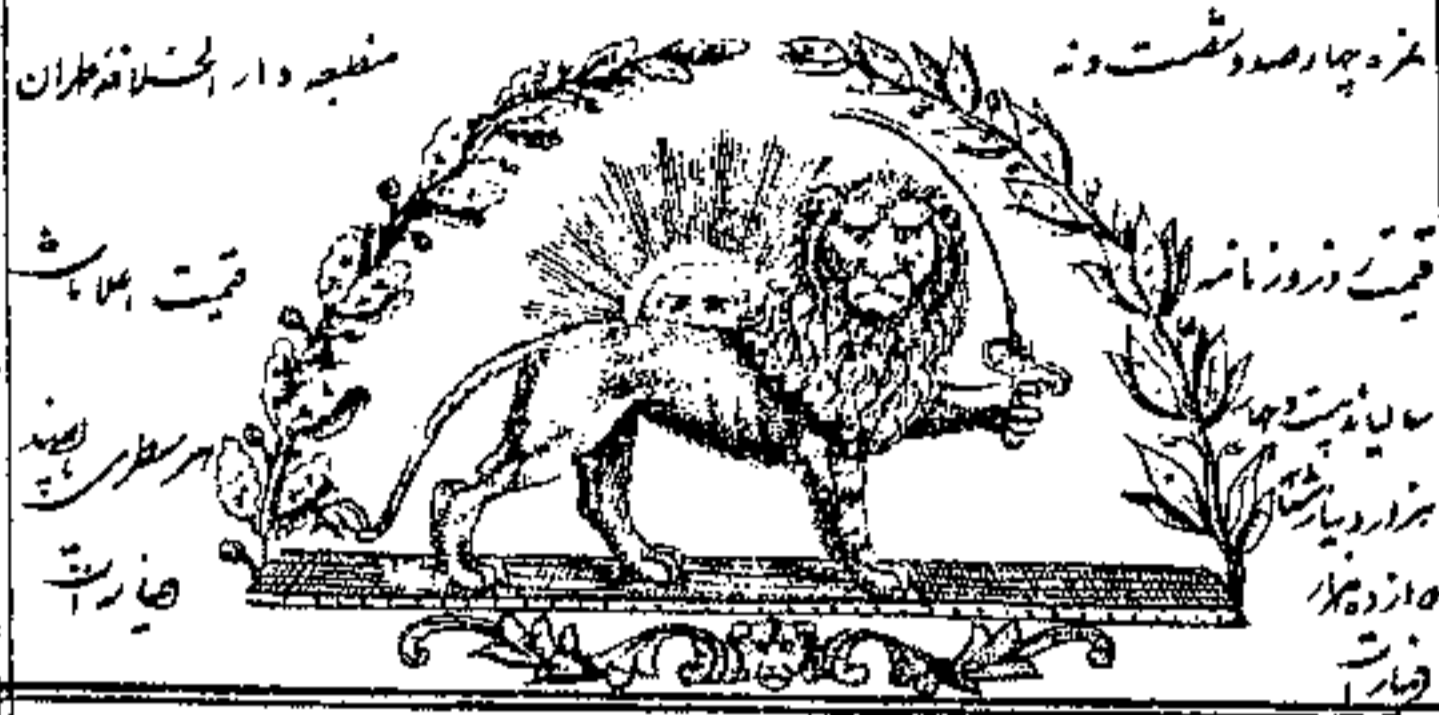
در جریان انوار شهبلا مبول نوشته اند ولید دولت بچک بعزم سیاحت را در آدن اسلامبول نموده بود بعد از رسیدن  
خبر حرکت ولید مرقوم را در ویا در و وصول بانسلاق و بعد از آنجا جنب دولت عثمانیه کمال یک تشریفات خارجی بستان  
نامور گشته نامور مرقوم با اتفاق سفیر دولت مرقوم که در اسلامبول مقیم بوده است و از مرقوم بعد از ملاقات با ولید  
با اتفاق عازم اسلامبول میگردد و در مخدم شهر مهران وارد میسگر اند و کارزار در ملاقات بجا با حضرت سلطان  
ملاقات میکنند پس از ملاقات بمنزلی که از جانب دولت برای او معین میسگر گشته است بسترحت مییابند و ای روز  
بعحضرت سلطان بعزم باز دید ولید مرقوم بهار است سطر میرود و با هم دیگر ملاقات کرده سنتهای محبت و مهربانی از جانب  
سلطان عمل می آید ولید مرقوم را به بعد از رسیدن سیاحت در اسلامبول و تالیفاتش را در دست میدهد در آنجا چندین  
توقف کرده معادلات خواهد نمود (ه) و نیز در روزنامه مرقوم در روزنامه تالیس مجلس نقل کرده اند که بعد از  
دعوی حسرتی دولت استر به با ایتالیا خیانت سرعت مرقوم محاسبه ردوی استر بر روزنامه آورده اند

روزنامه چهارم  
اعلانات

کرد و بود در تبس خورشید را کشید و در نبرد کیر از رفتی او پیدا شد این دو نفر را هم مجبور کردند اینها نیز در تبس خورشید کشید  
 نظر به تمام تخمین اشخاصی که ما مورد پیدا کردن سارقین بودیم مشخص شده است که از متراخا نیز جمع کشیری در این محل  
 در ترکیب ده اند تا سال باشد و نفر از صرافان را گرفته و مجبور نمودند و از مبلغ و مقدار بسیار وقت و متجاوز از دو روز رسیده  
 و معلوم گشته است این سرفتن در زیر بطور نامی غریب و عجیب کرده اند از جهت برای اکل و صیوغ عسکر کوشی که چابک است  
 عوض گشت که در زنده آورده بر در حصار نگاه میداشته بعد از آنکه وقت تسلیم کردن کاوه ابرو کشیده است در خارج حصار  
 تحویل نزد تبس دریافت و بجهت مخلوط شدن با کادای تحویل شده آنها را داخل حصار نموده از در دیگری که گنجه و گنجه  
 بیرون برده مخلوط با کادای ششراه میگردد و در کفزار در راه چایخ نوبت تحویل میدادند و موافق ششویجات نخواهد از در این  
 اندیشموند چون موافق قرار داد اصول میبایست پوست کاوه را با صاحبان اولی آنها پس دادند بگشته است  
 ای که از عساکر پستار پس گرفتن مناسب نیست بسیار شکل است قریب پستار را هم بدو وقت حساب کرده و بخوبی میگردد  
 به اینکه بر پرا از چابک است از سایر جهات نخواهد کفی از دست گرفته بود زیرا پرا طور استریه مطلقا از این مقدمات خبر نیست  
 و معین است بعد از آنکه قرار دولت فرانسه با دولت استریه صلح انجام میدهد هر دو پرا طور در کجین با یکدیگر نشسته و قرار  
 مصالحه را دادند پرا طور فرانسه در عالم یکانی از خیانها میامورین و سوارهای امپراطور استریه اخبار داده و دستخیز  
 کرده بود و از جمله امپراطور فرانسه بیان کرد که در همان قسمتی که قدر از دست موجود است باید و در پرا طور استریه  
 داشت که بقدر کمایت ششاهل قشون پرا طور فرانسه که ششاهل استریه است آنها ایست که بقدر کمایت و همه استریه  
 بعد از آنکه تحقیق کرد معلوم شد که زیاد از نوزده چهارده و نوزده روز در آنجا نبوده است آنوقت امپراطور استریه را از بعضی  
 اوضاع آگاهی حاصل آمد و بتعمیرش و تحقیق نمود (ه) و نیز از روزنامه تالیس نقل کرد و در این اوقات امپراطور استریه  
 در کیش که در خدمت عالی در خواب موش پیدا و در خدمت اول یک موش که در کجک در خدمت دوم موش بزرگ و چاق و در خدمت  
 موش لاغر و ضعیف که قوه حرکت است از جهت خوابت اینکه در کیش سه دفعه موشی از یکسخت حیوان در خواب دیده بود  
 خوابش از بردی الهه اش نقل نموده برام و اصرار میکند که خواب مرا خودت تعبیر کن یا تعبیر خوبی بجهت تعبیر نمودن این خواب پیدا  
 و الهه اش جواب گشته در ویانه نمیگزین تعبیر خوب میبیند الهه امپراطور میببیند آن زن اما ضعیف میبیند و کیفیت خواب  
 امپراطور را آن زن نقل نمیدانم زن معتبر پس از مطن شدن آن زن است و اینکه بعد از تعبیر از تعبیر با بر سر نزدیکی در خواب اول  
 که موش که چک کرده است خود محضرت امپراطوری است خواب دوم که موش بزرگ و چاق بوده است و زاده کلا  
 و امپراطور میببیند خواب تیم که موش ضعیف و لاغر دیده است که قوت حرکت در پیش بر دستان و عیای امپراطور  
 روز پنجشنبه است و چهارم ذیقعدة الحرام محرم ثبث محمد خان ناصر الملک زیر منیایع و تجارت و مرمان الله خان براند  
 او معقود شده است در این روزنامه همان و اعلام میشود که هر کس سندی از مشارالیه دارد بجهت تجدید نماید و هر  
 سابق را بعد از این مهتباری نیست

۳۰۴۵

# روزنامه وقایع اتفاقیه بیابان یوم پشمه شهر محرم مطابق اول سن



موزه چهارصد و شصت و نه

منطقه دار الحکومه طهران

قیمت روزنامه

قیمت روزنامه

سالانه بیست و چهار  
بزرگ دریا شصت  
هزاره  
فشارت

سالانه بیست و چهار  
بزرگ دریا شصت  
هزاره  
فشارت

## اخبار داخله ممالک محروسه

روز دوشنبه بیست و پنجم شهریور قیام از سیاق شهر سمانک وارد دنیاوران شدند چون ماه محرم نزدیک بود پس  
 عزاداری در شهر سمانک حیاتی شد بعین الملک نظر حکم شد که اسباب تعزیه داری و ادنیس دوران در  
 دولت فراهم آورد و لهذا همین الملک در نهایت آرزوستکی اسباب عزاداری را که در روزنامه آئینه نوشته خواهد  
 میانورد چاهدی که مخصوص همین کتبه در سال گذشته بعد از اتمام عزاداری در سلطنتیه باهل از نجاران مرخص شد و چاهدی  
 فراموشی حکم شد که چاهدی بسیار خوب مخصوص از همزمان تمام کرد و بجهت کتبه دولت بیاد دولت دامت ایشانیه  
 چاهدی بسیار خوب ممتاز تمام کرده در بیست و پنجم شهریور محبت احرام وارد دنیاوران کرد و بسیار سخن افشا  
 و در روز بیست و نهم ذی حجه نیز مختار دولت بکلیس که تازه نامور با قامت در بار این دولت بود  
 بخورد همایون رسید بالازمه تشریفاتی که مستداول است کمال التفات و مرحمت را در حق ایشان  
 فرمودند و در از دیاد دوستی و در ابط و دستین فصلی پان فرمودند بعد از نیم ساعت از حضور  
 مرخص شده با همان تشریفات بمنزل خود مراجعت کرد از اول ماه محترم مشغول عزاداری هستند  
 اول صبح در حضور مبارک شپه در وضع خوانده میشود و عصر تشریف فرمای کتبه دولت نیز در این  
 صبح فوکرای در بار هر یک مخصوصا اسباب عزاداری سنه ام آورده و مشغول  
 اند با امور است دولتی که رسیدگی میشود و همه مرخص شده مشغول امور است

بسیار خود هستند و بعد از عاشورا با در کافی است این از

طلوع صبح الی غروب آفتاب هر یک موجب

امورات دولتی خواهند بود

حالات متعلقه بوجوه و حکم و استاد در سن ایون بنشیند خدیو ملک و سلطان

اخبار و اخبار و وقایع و غیره

امسال هوای دارالحضرت از سالی سابق است اما الحمد لله نهایت سلامت را دارد و امیر دیو  
 طران بر اقباطت کافیه شازده نصره الدوله حکمران دار الحکانه و عراق منتهای نظام را دارد  
 و با آنکه خشکسالی بوده و غله قدری ترقی نموده است باز و سایر ماکولات نهایت فرور دارد و مردم مسوده خاطر  
 بهای دوام عسر و دولت و بقای ذات علیحضرت اقدس سالیون شایسته ای استتعال دارند (۵) چون مصطفی  
 حاکم سبزوار در گرفتن فوج جدید آنجا نهایت اهتمام و کوشش را بعمل آورد و کمال آسکلی و خوبی گرفت بود  
 و در سایر خدمات مرجع نیز منتهای صداقت و ارادت را بطور رسالت مراعات نمائیدگی و تقاضای  
 محمد اشخان پیرادهم در پیشگاه حضور مظهر العالیون اعلی و اعلی و تشکر کرده است منصب سرمنشی فوج مزبور را  
 بخدا اشخان مرحمت و یکملا قدشال تر بر سر منعت در حق او غایت فرموده و ارسال سبزه ارشد (۵) نظر بانکه  
 شاطرباشی در شهر ستاک از عمده نظم اردو بازار و فسر و انی بر نوع از ماکولات بخوبی برآمده با آنکه راه سهرسا  
 خیلی سخت و صعب است از اطراف گذران اردوی مبارک را فراسم آورد از جانب سی بجوانب سالیون  
 با عطای کتب و کچمه سرفرازی و افتخار حاصل ساخت (۵) چون لازم بود که مکالم و کوبش هزاره در از این سبطه  
 جمعی نظام و سوار در رکاب ایشان بوده باشند لذا سرکار علیحضرت اقدس سالیون شایسته ای حشمت و سبطه  
 غلام خراسانی را که در رکاب سالیون توقف از نواب جمیع محمد نظر خان که نسبت درایت صداقت موسوم شد  
 فرموده امر و معتمد کرده که بجای مرجع شازده معزی الیه اقدام داشته باشد

۳۰۶۷

وقایع و اخبار و غیره

**استرا با** در روز دوازدهم شهریور محرم شازده حکم را حکمران زندان و سربازان با قلیسی  
 سواره و سپاده نامور ناخبر برای شبیه ترانکه از صبح ارفت اند چون که در روز مزبور آنطایفه عروسی داشته اند  
 سوار بسیاری در ادب آنها حاضر و موجود بوده است و قبل از رسیدن قشون منصور با دبه مزبور ترانکه سخن شده  
 اطراف آنها را احاطه کرده اند بخوبی آنکه شاید کاری از پیش خوانند برد اما از نجات بنده تسلی سالیون سالیون  
 خدایه که در سلطانه سواره پیاده و نوکری که حاضر بود اند با نهایت رشادت و جلالت سواره ترکان ایران  
 در پرکننده کرده اند و سی نیزه سرچند نفر از آنها گرفته اند چون که هوا شدت گرم بوده ترانکه هم از غایت  
 شازده مطلع شده بودند و زیاد از کیزاده توپ هم سواره نبرده بودند از روز رفتن بر سوار و به آنها را موقوف نمود  
 باغ و شیرازی مراجعت کرده اند و در آخر دعوا که سوار ترکان فرامیگرد محمد خان با و را فواج غلبه چون  
 جنگ ترکانی بدتیت کامل نه شبیه فراریان را تنانی مسافت بعیده تعاقب کرده و از سبزه و توپ سوار  
 افتاده و در حضور ترکان راهم گشته از سبب زمین اندخت و قستی ترکان خمید که محمد خان با و به دست در خم  
 از قشون دولتی در هفت ده شمانی آنها را تعاقب میکند برشته و دریا و در گرفته او را مقتول کردند و علی قشون از  
 جلالت و متواید و مزبور کمال تعجب کرده انوس زیاد قتل او خورد و از جانب دولت حکم شد که سب زانندگان را کمال



تعمیرات و اصلاحات

مرحمت را مبذول دارند کیسان از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند شاهزاده رکن الدوله والی کیسان و میرزا زکی وزیر در انجام خدمات یوانی لازمه استقامت را دارند و از هر چه در امور آنجا است در نظام حاصل است شاهزاده معمری لیس هم روز و ساعت از روز گذشته بهرام داده چسب هم از خاص و عام اگر عرضی داشته باشد با واسطه و بلائع عرض نمایند و در غوررسی امور و احقاق حقوق میانه مراقبت را دارند و رعایا و برابرا آسوده خاطر مشغول دغای دجود مسعود همایون میشوند (ه) و از قراریکه نوشته بودند در سمت جنوبی ازلی در شب نیمه سیم و یحیی الحرام جرمی نمودند سواره نباله و از طلوع نمود بسیار مشتعل بوده است بزرگی آن بعد در قرص قمر و خورشید دیده گمان بود بعد از آن مثل توپ صید کرده غارب شده است

انخبار عراق و فارس

فروین از شهریکه در روزنامه آنجا نوشته اند حاجی میرزا عبدالقادر خان پیشکار آنجا در نظم ولایت و آبادی خالصات مراقبت تمام دارد و مجلس مصلحت خانه که حسب الامر قدرت را علی در آنجا منعقد گشته با کمال نظم است اهل مصیبتها و غمگینان در روز استراحت در موجبات آبادی ولایت گفتگو میکنند از همه در باب شغیه قنوات از دیدن آب قن وین گفتگو کرده بودند و تفصیل گفتگوی خود را با یکپسای همایون عرض داشته مقبول رای جهان آرای همایون هست و دشواری که از دولت برای این کار خواهد بود بجز بفرمان هر ملک و مرحمت گردید و امر و مقرر شد که در بهم که اعیان اشراف خود مقبل شده اند کار سازی نموده استوارتر شقیه نمایند و انشاء الله تعالی از این جهت در آب فردین تفاوت کلی بهم خواهد رسید شاهزاده حسام السلطنه در نظم ولایت و آسایش رعیت و قلع و قمع ناآرامی شرارت معین نهایت اهتمام دارند و آن مملکت از هر چه قریب انتظام و نیتاق است و ضلایق مرفق الحال بلوازم دعا کونی ذات پهمال همایون اشتغال دارند

۳۰۶۸

استان

از قراریکه نوشته اند یونانیو گمانیو آبادی آن ایالت آسایش مالی در ثراید و تصاعف است و مردم زاید الوصف ساگر نعمت و دعا کوی دولت ابد مدت قاهره چاشند انخبار ممالک خارجیه

تعمیرات و اصلاحات

در باب تعیین ایرانی که بفرانسه فرستاده اند جمع کسانیکه طالب اند که تربیت فرنگی و صنایع فرانسوی در ممالک مشرق زمین منتشر و متداول شود یقیناً بالذات و شعف خواهند شنید که دو جوان ایرانی پس از جواب دادن بر چسب سائل طبعی که در یک امتحان مشتمل از ایشان رسیده شده بودند نوشته اند و ن طبابت

ترجمه قصه سلاطین در روزنامه حاجات فراز نوشته شده است

گرفته اند اسم شخصی ایرانی ابوعلی نام که در نزد جمیع دانشمندان معروف است نایب معجزه طب فرنگستان بود ولی امروزه آنست یا مستفاد کلی رد میکند با نالی ایران عسکرمیرا که در داد اسطایام از نوشته است این طبیب معروف است و محنت بود و ایراسینای این زمان از زبان مولانا سیهامی خود اسامی پستاد برود و ما از آن می که اطباء می بود و معتبر فرنگی بود و ترقی کلی که در این اوقات در طبابت فرانس بهر سیده خواستند شیدان این دو جوان ایرانی یکی میرزا رضا نام دارد دیگری میرزا حسین در ۱۲۵۰ خدمت فرخ خان بفرانس آمدند و بخدمت درود پاریس بلا تامل مشغول به کسب طب و خدمات مریضخانه شدند این عمر در مدرسه که حضرت شاهنشاهی در طهران در پستان است تمام برقرار فرموده اند در نزد چند نفر معلم فرنگی است که کرده بودند چون در علم تشریح که عملاً در نزد عمل مشرق زمین موع است چنانکه در مالک فرنگستان نیز قبیل از آزادی رعیت مقبول نبود کامل نمیشدند شنبه بجهت تحصیل در علم و عمل مذکور با مرجع المطاع و تشریح دولت علیه شاهنشاهی بفرانس آمدند و پس از سه سال زحمت لا مقطوع دریافت افتخار علوم را نمودند و این دو جوان از این ایرانی پیشند که این فیوض عظمی را در فرانس در پاریس در برده اند و این موقع را غنیمت شمرده است امیداریم که نه بعین دو نفر پیشند که دولت شاهنشاهی کسب علوم را مور بفرانس فرموده اند بلکه تقریباً یک سال قبل از این که حسنعلی خان نیز ایران بفرانس آمدند بقدر چهل و دو نفر جوان بجهت کسب علوم و صنایع مختلفه با اتفاق خود پاریس آمدند که بعضی در خود پاریس برخی در ویت بحاکمیت لطف آسیر وزیر علوم فرانس معلوم محوله بخدمت مشغول گردیدند ان شاء الله تعالی عاقبت با علوم و صنایع حکمه مراجعت بایران خواهند کرد که بتوانند از عمده خدماتیکه سرکار اقدس شریاری از روی بصیرت بجهت تربیت صورتی و معنوی ملت ایران بایشان محول فرمایند بر اینند

۳۰۶۹

ترجمه روزنامه سلاطین

چندی قبل در روزنامه های فرنگستان نوشته بودند در روزنامه ایندولت پسند ترجمه و مرقوم شده که در پاریس تحت دولت مجیک یک دستگاه ساعت آویز دو طاقه پرده فستیولی که در اطاق خود پادشاه آذربایجان بود در دیده بودند بعد از چند روز آشیاراد او غمگین شد اینها یاد آن شخص در دست نمی آید و معلوم نمیشود که کیست چون در دو ساعت آویز مذکور یک ساعت کوچک ضمیمه نموده نزد صرافانی رمن گذاشته بوده است و در دو ساعت هر دو ساعت را از صراف گرفته بود با این طوری در پاریس میمانند که ساعت کوچک را برگردانم رقم اثر ملاحظه نمایند و معلوم میکنند که آن ساعت را چست سال قبل در شهر جنوا استاد می معروف ساخته است همان ساعت با تعرافت بشری از نو خبر میدهند که فلان استاد ساعتی را که در فلان تاریخ ساخته و مزمزه چندین است اسم خود را هم فرستم کرده است بدقت روزنامه خود رجوع نموده چند روزی که یکی فروخته است استاد مذکور هم رجوع به دفتر روزنامه خود نموده اسم خریدار را که از اهل مجیک بوده است اعلام نمایند بعد از تشخیص اسم خریدار معلوم نمایند که در آن شهر سیصد چهارصد نفر صاحب آن اسم باشند

تاریخ روزنامه

در تشخیص خریدار تاعبت با مستحقانستند در مقام تحقیق اشخاصی که بان اسم هستند و با درجانه آمدند از خبری معلوم میشود که کثیر از آنها با قوچی باشی رفاقت آید شده است و در اکثره محلیها نیز که در دست دارد از بسندای عمل خود میرسانند (ه) و نیز نوشته اند چندی بود که هر حادثه و واقعه در ولایات قریه و بعداً و نیکسان اتفاق می افتد بفاصله یکروز در آن حادثه را در بسندای روزنامه نموده منطبع میباشند و با طراف شمیریکروز بسیار اتفاق می افتد که خبری در ولایاتی اتفاق می افتد و قبل از نوشتن خبر در همان ولایت و زمانه آن از لندن با ولایت میرسد چنانکه در مقدمه بیت ای که فیما بین ولایتین در آنست منازعه بود بعد از آنکه قسطنطنیه را مصالحه شد و سردار امیراطور دولتین عثمانی نوشته در دستراد مصالحه با یکدیگر مکتوب نمودند و ای آنروز کیفیت مکتوب دستراد مصالحه منور در روزنامه های لندن نوشته شد و در این اتفاق معلوم شده است که کثیر بودی از اهل المانیا چند سال است که اینفل دای برای خود و کثیر تجارت در آنست که در اکثر ولایات معتبره و معتبره و پای تختها در خفیه از خود آدم کرده موجب مزد میسند و مزد روزی بافتبان اعیان اگر بدولت بطه بهر سازه سر نوع اخباری در سر ولایاتی اتفاق افتد مستحق شند و با تفراف با باب خود خبر میسند بودی منور اخبار که در سر روزنامه میرسد همان شب چند نسخه نوشته بر نسخه را بصاحب یکی از کارخانهای روزنامه بستم که کرافت میفرستد و از این تجارت منفعت کلی میبرد

۳۰۷۰

وقایع و احسن روزنامه فرانسه

در یکی از روزنامه های پاریس که لاپاتری نام دارد نوشته اند که روزی از ماه گذشته در دارالامتحان طب پاریس در جمع حکامی بزرگ میرزا رضا معرض امتحان دکتری داد و از عسده جواب مسائلی که از او پرسیدند در کمال خوبی برآید مورد تحسین حضار مجلس گردید چند روز قبل میرزا رضا هم کثیر از شاگردان ایران که در فرانسه است امتحان شده و نیز خوب از عده برآید اینها اولین اشخاصی هستند که از اهل ایران در اروپا منصب علمی گرفته شان دکتری تحصیل کرده اند (ه) در روزنامه های فرانسه نوشته اند در صطوره کود میا و نهران که در فرانسه و انگلیس در آنجا اشکارهای کشته های گرفته میشد از بسکه صیه زیاد در آنجا نمودند چندان همی در آنجا مانده و قریب با قطع و اتمام های رسیده است چون بالطبع بسیار در دیو در آبها تخمها دارند که در صطوح بیضه کشته میشود و در هر یک از این بیضها چند هزار دانه تخم است که از هر یک یکای عمل می آید از این تخمها آوده در کنار آب میگذارد بعد از رفتن آبها از نزدیک آنها بعضی حیوانات بجز تیا قبل زغن و غیره آده آن بیضها را میخورند و اندکی از آنها را با گذارده ای از آنها بعمل می آید این اوقات یکی از حکامی فرانسه آن بیضها که ما میاد در نزدیکی ساحل گذارده بودند بهمان برداشته کتاج برده تربیت کرده چون تخمها مستعد می شدن میگرد آنهارا آورده در آب میگذارد و دانه های تخمها که در تخمها بوده است می شود پس از محقق شدن این تیرچه زیاد شدن می صخرت امیراطور فرانسه یعنی پولا اوله که در صطوره کود المانی فرانسه که میسند تخمها را بجزی دارند و در زیاد شدن می استام نمایند

روزنامه وقایع تقویم مطبوعه در کلاس طهران پنج نوبت پیشین و یکشنبه بیستم شهر محرم الحرام مطابق سال ۱۲۲۲

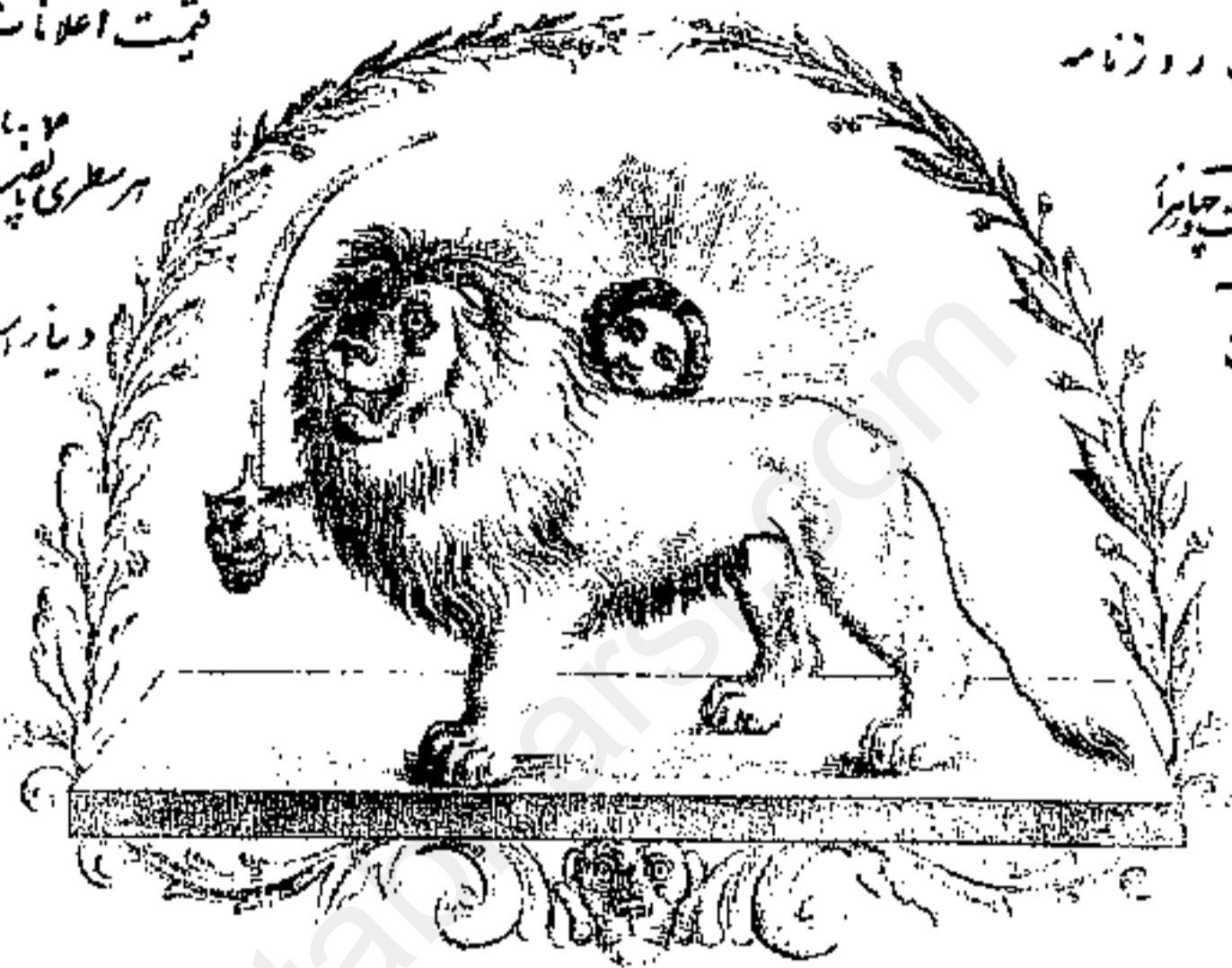
قیمت اعلانات

هر سطر یک خط  
۲۰

دیوار است

قیمت روزنامه

۱۰  
سایه پست چهار  
۱۰  
دیوار است



۳۰۷۱

### اخبار داخله ممالک هند

امحمد نده فراجا صحیح و همروزه مشغول امورات است و البته میسند سابقا در روزنامه نوشته شد که در دهر عاشورا در شیراز یکینه دولتی منعقد شده در کمال خوبی بسته شده است الحی بسیار با صفا و خوب پرزنت بسته شده و سرکار حضرت اقدس هایون شاهنشاهی همروزه تشریف دند و از دحام زیاد می شد تجار حبه از قریل حاج میراشتم تیسری حاجی علی صفتانی و غیره از طهران بورد و اسباب چراغ زیادی آوردند در کتبه چیده بودند و در آسمانی دولت هم هر یک حجره که داشتند هم پرزنت چراغ و بورد و بعضی از شهبانم سرکار اقدس هایون تشریف کرده چه هم تیزی داری شد هم تاشای چراغ و دیگر رفته تجاره غیره الثات فرمودند و مستحقین در دور روز در تکیه نعام الثات و غیره مالک در حضور تقسیم کرد (۵) فوج هندوی فراگوزلو و فوج مکروه توپچی فوج حمله که تازه وارد ولسران شده بودند از اجناس شیران شده از سان حضور مبارک گذشتند بسیار با نظم و خوب همه جوانان قبل پاکیزه خوش لباس بودند و حکم شد که بسرباز خانهای شرفیه مشغول مش نظام دست اول باشند (۶) چشم انداز حاکم صفهان که برای پاره مطالب غم و بختور هایون آمده بود مرخص شده روانه صفهان کردید (۷) سرکار اقدس هایون کاهی سوار میشوند تا چون هوای محسوس خیلی گرم است بسیار کم مسواری میفرمایند مگر کاهی پس طفت آباد که نزدیک شیران است تشریف سپردند

سال است و جو و مناظر کلاهی شیران و شیر